

دگرباشان ایران شهروندانی بی حقوق!

پژوهشی جامع در باب دگرباشان در ایران: تحلیلی بر قوانین موجود و راهکارهای حقوقی برای دگرباشان در ایران

نویسنده: کامیل احمدی

LGB in Iran, citizens with no rights? A comprehensive study on LGB in Iran: Analysing current laws, discussing legal rights of LGB's and way forward

By: Kameel Ahmady

چکیده

بیشتر گزارش‌هایی که تاکنون دربارهٔ اجتماع دگرباشان تهیه شده است، از افرادی است که در حال حاضر، ایران را ترک کرده‌اند و در سرزمین دیگری زندگی می‌کنند و هنوز اطلاعات چندانی دربارهٔ تجارب و تجربیات افراد دگرباش ساکن ایران وجود ندارد. به‌طور خاص، پژوهشی دربارهٔ زندگی و احساسات آنها در ایران و چگونگی تأثیرپذیری تجربیاتشان از هویت جنسی‌شان در دست نیست یا اگر هست، این اطلاعات بسیار محدود است. پژوهش حاضر بر آن است تا این شکاف علمی دربارهٔ موضوعی تااین‌حد مهم را پر کند. این مطالعه بسیار پیچیده است، چراکه فراتر از نگاهی کلی و ساده به گرایش جنسی و افکار مربوط به جنسیت در حوزهٔ زندگی خصوصی و عمومی فرد است. در این پژوهش به بررسی تاریخچهٔ قوانین کشورهای مختلف با مذاهب متفاوت دربارهٔ محدودیت‌های اعمال‌شده علیه حقوق دگرباشان پرداخته می‌شود. همچنین به بررسی جنبش‌های مختلف دگرباشان در نقاط مختلف جهان که جهت مقابله با این قوانین صورت گرفته است، می‌پردازد و نقش سازمان‌های بین‌المللی و حقوق بشر در تدوین قوانین حامی حقوق دگرباشان مورد مطالعه قرار خواهد گرفت و بالاخره قوانین داخلی ایران دربارهٔ دگرباشان مورد واکاوی قرار می‌گیرد.

اهداف اصلی این پروژه تحقیقی درک احساسات و باورها درمورد دگرباشان در ایران از طریق تحلیل انتقادی از نگاه خود این افراد و بررسی چالش‌هایی است که آنها بر اثر زندگی در جامعه‌ای مذهبی، طبقه‌محور، سنتی و پدرسالار – که دگرباشی را به‌عنوان هویت رد می‌کند – تجربه می‌کنند. درواقع، پرسش این پژوهش از همین‌جا شروع می‌شود، اینکه ضرورت تمرکز بر اجتماع دگرباشان و آسیب‌پذیری این افراد سرکوب‌شده و به سکوت واداشته شده انگیزه‌ای شد برای روشن‌گری دربارهٔ وضعیت این افراد که عامدانه نادیده گرفته شده‌اند و از سوی اجتماع به حاشیه رانده شده‌اند.

این تحقیق بر مصاحبه‌های عمیق با بیش از 400 نفر – که 60 درصد آنان مرد و 40 درصد زن بودند – در سه کلان‌شهر تهران، مشهد، و اصفهان متمرکز شد و این پژوهش در طول سال‌های 1395 و 1396 شمسی انجام شد. در این پژوهش، برای انتخاب جامعه هدف از

روش نمونه‌گیری گلوله برفی استفاده شده است. یکی از ویژگی‌های خاص دامنه این مطالعه آن است که تنها بر دگرباشان گرایش جنسی تمرکز کرده است و به افراد تراجنسیتی – که دارای دو جنبه زنانه و مردانه جنسیت‌اند و هر دوی این جنبه‌ها در وجود آنان به‌طور هم‌زمان فعال است – نپرداخته است. افراد تراجنسیتی به‌عمد در این مطالعه وارد نشده‌اند، چراکه در ایران، جایگاه آنها از منظر حقوقی تا حدودی تأیید شده است. بی‌شک، این مطالعه پژوهشی دریچه‌ای است به زندگی دگرباشان ایران که معمولاً زندگی در خفا را برگزیده‌اند و امید است یافته‌ها و نتیجه‌گیری‌های این مطالعه به سیاست‌ها و مداخلاتی نو بینجامند. کلیدواژه: دگرباش، هویت جنسی، حقوق دگرباشان، نمونه‌گیری گلوله برفی.

مقدمه و بیان مسئله

در بسیاری از جوامع، از زمان بسته شدن نطفه، به کودکان، جنسیتی براساس مفهوم مرد یا زن داده می‌شود و آنان به‌گونه‌ای اجتماعی می‌شوند که براساس این نسبت، با نقش‌های جنسیتی خاص مطابق باشند. کودکان در سنین بین دو تا سه سال شروع می‌کنند به شبیه‌سازی کلیشه‌های جنسیتی براساس نوع اسباب‌بازی‌ها و بازی‌هایی که آنها را ترجیح می‌دهند و انتخاب می‌کنند. موضوع ترجیحات آنها در مورد پوشاک، وسایل و کارهای خانه نیز مصداق دارد¹. بر همین اساس، نقش‌های جنسیتی ساخته می‌شود و بعدها از طریق روابط اجتماعی پذیرفته‌شده و تأییدشده و دینامیک‌های سیاسی و اقتصادی تقویت می‌شود. هر رفتاری خارج از این هنجارها و نقش‌های جنسیتی پذیرفته‌شده که در تقابل با هر نوع تساهل اجتماعی قرار گیرد، پذیرفتنی نیست و هیچ انحراف یا تغییری را تاب نمی‌آورد، چراکه قصد دارد تنها روایت‌هایی را حفظ کند که به‌شدت برای خودش ارزشمند است. هر رابطه یا میل جنسی که خارج از این هنجار توصیه‌شده اجتماعی، یعنی بودن مردان با زنان، وجود داشته باشد، کفرآمیز دانسته می‌شود. هنجارها و عرف اجتماعی، ارزش‌های مذهبی، و در مرحله بعدی، قوانین در زمره این اهرم‌های فشار قرار دارند.

در طول تاریخ، دسته‌بندی دگرباشان همه این هنجارها و نظام دوقطبی را به‌چالش کشیده است. دگرباش (LGBT) واژه‌ای است که برای اشاره به همجنسگرایان زن، همجنسگرایان مرد، دوجنسگراها، و تراجنسیتی‌ها استفاده می‌شود. «هر حرف این عبارت اختصاری دامنه وسیعی از نژادها، قومیت‌ها، سنین، موقعیت‌های اجتماعی – اقتصادی، و هویت‌ها را شامل می‌شود»². این افراد در همه انواع خود و در همه اعصار و قرون بخشی از جامعه بوده‌اند. کاتز (1995) می‌گوید «ساختارگرایان اجتماعی می‌توانند بافتارهای تاریخی بسیاری را شناسایی کنند که در آنها افراد در روابطی با همجنس وارد شده‌اند، اما تنها در میانه قرن نوزدهم بود که واژگانی خاص، طبقه‌بندی‌های رفتار جنسی (به‌طور مشخص، یا همجنسگرا یا دگرجنسگرا) را برچسب زدند»³.

1. Spencer A. (2013). *Rathus. Childhood: Voyages in Development*. Cengage Learning.

2. Kevin L Ard, Harvey J Makadon. *IMPROVING THE HEALTH CARE OF LESBIAN, GAY, BISEXUAL AND TRANSGENDER (LGBT) PEOPLE: Understanding and Eliminating Health Disparities*. P. 3.

3. Katz, Jonathan Ned. (1995). *The Invention of Heterosexuality*. New York, NY: Dutton (Penguin Books).

در جوامعی که هنجارها و عرف‌های اجتماعی شدید و سنتی، ارزش‌های مذهبی و قوانین خاص در مقابله با رفتار جنسی دگرباشان وجود دارد، نوعی ترس و تعصب در مواجهه با دگرباشان دیده می‌شود که در قالب واژگانی چون همجنسگراهراسی، دوجنسگراهراسی، و تراجنسیتی‌هراسی نمود می‌یابد.

همجنسگراهراسی با همه ویژگی‌هایش می‌تواند به طرد از جانب دوستان و خانواده منجر شود. به‌طور خاص، تبعیض می‌تواند باعث محرومیت از شغل سودآور، بیمه سلامت، و دسترسی به خدمات بهداشتی باکیفیت شود. بار عاطفی این موضوع می‌تواند برای افراد سنگین باشد و سبب ایجاد مسائلی در سلامت روان شود یا اقدام به خودکشی یا افکار مربوط به خودکشی را پدید آورد. همه این عوامل سبب می‌شود تا فرد همجنسگرا نتواند به راحتی گرایش جنسی خود را ابراز کند و این امر می‌تواند موجب افزایش استرس شود، حمایت‌های اجتماعی از او را محدود کند و بر سلامت تأثیر منفی بگذارد. این عواطف مسبب چرخه‌های خودتخریبی شامل رفتارهایی همچون شرب الکل، مصرف مواد مخدر، و رفتارهای جنسی پرخطر و آسیب‌زننده به خود می‌شود.¹

افرادی که خود را دوجنسگرا می‌دانند معمولاً از طرف دگرجنسگراهایی آزار می‌بینند که هویت آنها را «مرحله‌ای گذرا» یا به‌سادگی نامشروع می‌دانند. دوجنسگراهراسی تأثیری مخرب بر زندگی افراد دوجنسگرا دارد و سبب می‌شود بسیاری از آنها پنهان شوند و برای اجتناب از تمسخر و طرد «در صندوق» باقی بمانند. این مسئله می‌تواند به‌زیستی و حس هویت آنها را تحت تأثیر قرار دهد. یکی از بدترین عواقب دوجنسگراهراسی تبعیضی است که فرد دوجنسگرا نه‌فقط از سوی کل جامعه، بلکه از سوی اجتماع همجنسگرایان می‌بیند. مونرو (2015) توضیح می‌دهد که گی‌ها و لزبین‌ها این افراد را - که از قبل به حاشیه رانده شده‌اند - آزار می‌دهند تا برتری خود را تحکیم بخشند.²

تراجنسیتی‌هراسی را می‌توان ترس و نفرت یا بی‌اعتمادی نسبت به افرادی دانست که تراجنسیتی‌اند یا کسانی که رفتار جنسیتی آنها با نقش‌های جنسیتی سنتی همسو نیست. رایان جوئل (2009) تراجنسیتی‌هراسی را ترس و نفرتی غیرمنطقی از کسانی تعریف کرده است که از دوقطبی زنانه - مردانه گذشته‌اند، آن را مخدوش کرده‌اند یا از آن فراتر رفته‌اند.

مذهب یکی از عوامل مهم در مقابل پذیرش اجتماعی همجنسگرایی و ازدواج همجنسان است. انجیل با داستان‌های عهد قدیم ما را با برخی از اولین تابوها در این زمینه آشنا می‌کند. یک نمونه داستان تذکرها در سفر لاویان است: «اگر مردی با مردی، آن‌گونه‌که با یک زن می‌خوابد، بخوابد، هر دوی آنها عملی شنیع انجام داده‌اند؛ مطمئناً آنها باید به مرگ محکوم شوند، خونشان باید به گردن خودشان باشد». همه مکاتب بزرگ اسلامی همجنسگرایی را مردود می‌دانند و میل به همجنس را وسوسه‌ای غیرطبیعی محسوب می‌کنند. این رابطه جنسی عملی خلاف نقش طبیعی و هدف فعالیت جنسی دیده می‌شود. در یهودیت، تورات (پنج کتاب اول انجیل) می‌گوید: «[مرد] نباید با مردی دیگر بخوابد، آن‌گونه‌که با یک زن می‌خوابد. این رسوایی است».

1. Valentine, G., Skelton, T. and Butler, R. (2002). The vulnerability and marginalisation of lesbian and gay youth: ways forward. *Youth and Policy*, 75, pp. 4-29.

2. Monro, Surya. (2015). *Bisexuality: Identities, politics, and theories*. Springer.

این احساسات و آموزه‌های مذهبی اغلب در قالب قوانین حقوقی دیده می‌شوند و محدودیت‌هایی را علیه دگرباشان شکل داده‌اند و با سرکوب از طریق سازوکارهای انتظامی و قضایی به آن پاسخ داده‌اند. تعیین جریمه نقدی برای رفتار جنسی توافقی با همجنس، زندان یا مجازات مرگ مواردی از این سرکوب‌ها است.

امروزه، حقوق مربوط به گرایش جنسی به‌شدت ادعای همگانی بودن دارد، چراکه به عنصری از خویشتن فرد مربوط می‌شود که در همه افراد بشر وجود دارد، یعنی تمایل جنسی. بنابراین این مفهوم به تعریف زیرگروهی مشخص از بشریت نیاز ندارد که این حقوق در موردشان صدق کند. با نگاهی مثبت به تمایل جنسی به‌عنوان بُعدی بنیادین در وجود بشر و مؤلفه‌ای مرکزی برای رشد کامل شخصیت انسان، حقوق جنسی ظرفیتی عظیم برای دگرگونی نه‌فقط «اقلیت جنسی»، بلکه «اکثریت جنسی» جامعه در خود دارد¹.

موضوع گرایش جنسی و حقوق بشر موضوعی گسترده و سیاسی است. تعصبات، کلیشه‌های منفی، و تبعیض عمیقاً در نظام ارزشی جامعه، الگوهای رفتاری، و گرایش‌های جنسی فرورفته‌اند. هرچند حاکمیت تنها بازیگر یا حتی بازیگر اصلی حقوق مربوط به گرایش جنسی نیست، در این زمینه نقشی محوری ایفا می‌کند. بی‌شک، گرایش جنسی به‌عنوان حقی اساسی مسئله‌ای عمیقاً سیاسی است. درواقع، وقتی تمرکز بر حقوق و قوانین رسمی است، حاکمیت بازیگری اساسی در سیاست‌گذاری محسوب می‌شود، حتی اگر درک کلی‌تر این باشد که تمایل جنسی در تعامل با بسیاری از نظام‌های اجتماعی، سیاسی، درون‌فردی، و میان‌فردی مختلف شکل می‌گیرد.

در این پژوهش، تلاش شد تا قوانین مختلف جهانی و نیز قوانین داخلی کشورهای مختلف در مورد حقوق دگرباشان تشریح شود و ضمن نشان دادن جایگاه کشور ایران در میان این قوانین با انجام مطالعه میدانی در سه شهر تهران، اصفهان، و شیراز نظر دگرباشان مورد واکاوی قرار گیرد.

ادبیات تحقیق

«همجنسگرایی» هویتی است که فرد در آن خود را گی یا لزبین، یعنی همجنس‌گرای مرد یا زن، می‌انگارد. در این هویت، افراد اساساً جذب افراد همجنس خود می‌شوند و با آنها رابطه جنسی برقرار می‌کنند. رفتار همجنس‌خواهانه معمولاً و بیشتر از مردان و زنانی سر می‌زند که به افراد همجنس خود گرایش جنسی دارند. همجنس‌گرا فردی است که عمدتاً از نظر فیزیکی، عاطفی، و / یا جنسی به افراد همجنس خود کشش دارد. در مقطعی، این واژه به‌سبب تاریخچه‌ای که آن را در رده بیماری‌های روانی قرار می‌داد، انگ و برچسب دانسته می‌شد.

«گی» مردی است که عمدتاً از نظر عاطفی، فیزیکی و / یا جنسی به افرادی همجنس و یا با جنس مشابه کشش دارد. این واژه بیشتر برای اشاره به مردانی به‌کار می‌رود که جذب مردان می‌شوند، اما می‌توان آن را درباره زنان نیز به‌کار برد. این واژه کلی معمولاً برای اشاره به اجتماع دگرباشان به‌طور کلی یا به‌عنوان هویتی یکسان برای کسی استفاده می‌شود

1. Saiz, Ignacio. (2004). *Bracketing Sexuality: Human Rights and Sexual Orientation*. pp. 66-67.

که خود را دگرجنسگرا نمی‌داند. منظور از «لزبین» نیز زنانی است که ظرفیت جذب رمانتیک، شهوانی و / یا عاطفی زنان دیگر را دارند.

«دوجنسگرا» فردی است که از نظر عاطفی، فیزیکی و / یا جنسی، هم به مردان و هم به زنان کشش دارد. لازم نیست این کشش مساوی باشد یا نشان‌دهندهٔ علاقهٔ مساوی به جنسیت‌ها یا جنس‌هایی باشد که فرد به آنها تمایل دارد. واژهٔ دوجنسگرایی برای توصیف وجود هردو بُعد زنانه و مردانه در همهٔ افراد بشر به‌کار می‌رود. زنان و مردان دوجنسگرا کسانی هستند که نه‌تنها به افراد همجنس خود، بلکه به افراد جنس مخالف نیز با شدتی مشابه گرایش جنسی دارند. دوجنسگرایی در زنان شایع‌تر است.

«تراجنسیتی» واژه‌ای فراگیر برای اشاره به کسانی است که هویت جنسیتی آنها با ویژگی جنسی بیولوژیکشان از زمان تولد متفاوت است.¹ تراجنسیتی‌ها نیز همچون همجنسگراها همواره وجود داشته‌اند. آنها فراموش‌شده‌ترین گروه در جنبش دگرباشان هستند و حرف چهارم LGBT نشان‌دهندهٔ این افراد است که گاهی با بی‌احترامی و مخالفت از طرف جمعیت عمومی لزبین‌ها و گی‌ها مواجه می‌شوند. بنابر تعریف مؤسسهٔ پزشکی «اصطلاح تراجنسیتی به جمعیت گوناگونی اشاره می‌کند که به‌طور مشخص خود را از هنجارهای جنسیتی جدا می‌کنند».²

«دگرجنسگرایی» درمقابل همجنسگرایی قرار دارد و ویژگی‌های فردی را توصیف می‌کند که به فردی از جنس مخالف گرایش جنسی دارد. درواقع، دگرجنسگرا فردی است که همواره از ابعاد فیزیکی، عاطفی، و یا جنسی به فردی از جنس مخالف خود کشش دارد. دگرجنسگرایی تنها گرایش جنسی است که در آن روابط جنسی و زناشویی بیشتر در میان افراد جنس‌های مخالف رخ می‌دهد. دگرجنسگرا هنجاری باوری است که از دگرجنسگرایی حمایت می‌کند و معمولاً با دگرجنسگراسالاری و همجنسگراهراسی مرتبط است.³

در حوزهٔ رفتار انسانی، بحث قدیمی طبیعت درمقابل تربیت و تأثیر محیط، چه محیط پیش از تولد و چه محیط زندگی فرد یا ژن‌ها، از بحث‌های مهم در حوزهٔ گرایش‌های جنسی است. بیشتر پژوهشگران توافق دارند که عوامل بیولوژیک و اجتماعی در به‌وجود آمدن گرایش جنسی تأثیر می‌گذارند، اما هیچ عامل تعیین‌کنندهٔ قطعی، ساده، و واحدی برای گرایش جنسی مشخص نشده است. مطالعات مختلف به عوامل تعیین‌کنندهٔ مختلف و حتی متناقض اشاره می‌کنند، اما دانشمندان بر این فرض تأکید دارند که ترکیبی از عوامل ژنتیکی، هورمونی، و اجتماعی گرایش جنسی را تعیین می‌کند.

بسیاری از نظریه‌های اولیه عوامل محیطی (مانند روابط ضعیف با والدین و تماس با همجنسگرایان در سن پایین) را علت همجنسگرایی می‌دانستند. زیگموند فروید یکی از مدافعان اصلی این نظریه‌ها بود. فروید در زمان حیات، چهار نظریه دربارهٔ همجنسگرایی

1. Spade D. (2008). Documenting Gender. *Hastings Law Journal*. 59, pp. 731-842. Available from <http://williamsinstitute.law.ucla.edu/wp-content/uploads/Spade-Documenting-Gender-Apr-2008.pdf>.

2. Institute of Medicine (IOM). (2011), *The Health of Lesbian, Gay, Bisexual, and Transgender People: Building a Foundation for Better Understanding*. Washington, DC: The National Academies Press.

3. Lovaas, Karen, and Mercilee M. Jenkins. Charting a Path through the 'Desert of Nothing'. *Sexualities and Communication in Everyday Life: A Reader*. 8 July 2006. Sage Publications Inc. 5 May 2008.

مطرح کرد. نخستین نظریه‌های او بیان می‌داشتند که همجنسگرایی از عقده ادیپ نشئت گرفته است. به این معنی که مرد جوان پیوند شهوانی نرمالی را با مادر خود برقرار می‌کند، اما مادر عطوفت بسیار زیادی به پسر نشان می‌دهد و در نتیجه، پسر به‌شکلی وسواسی آلت تناسلی خود را مهم می‌انگارد¹. نظریه دیگر وی بیان‌کننده آن است که کودک تمایز میان خود و دیگری را تشخیص نمی‌دهد و بنابراین تصور می‌کند مادر آناتومی‌ای مشابه او دارد. در دوره خودشیفتگی، کودک به جدایی خود از مادر پی می‌برد و تهدید به اختگی می‌تواند مجازاتی برای احساسات شهوانی او باشد. بنابراین او به‌شکلی وسواس‌گونه غرق آلت تناسلی خود می‌شود. براساس نظریه‌ای دیگر، هنگامی که کودک پی می‌برد مادر آلت تناسلی مردانه ندارد، وحشت می‌کند و عشق او به مادر به نفرت تبدیل می‌شود. از آن پس، او زنی را با آلت تناسلی مردانه انتخاب می‌کند (پسری با صفات زنانه). نظریه چهارم و آخر او نسخه دیگری از عقده ادیپ بود که بیان می‌کرد پسران همجنسگرا عشقی آتشین به مادر و حسادت بی‌حد به پدر دارند. این حسادت به پدر به‌شکل آرزوی مرگ و خیال‌بافی‌های سادیستی از خشونت بروز می‌یابد. در نتیجه، در هنگام بروز واکنش، کودک این احساسات را به احساس عشق به همجنس تبدیل می‌کند.

کارشناسانی نیز وجود دارند که نظریه‌های بیولوژیک را برای توضیح علت‌های گرایش جنسی می‌پسندند². نظریه‌های بیولوژیک جدیدتر عبارت گرایش جنسی را برای اشاره به ژن‌هایی به‌کار می‌برد که از طریق استروئیدهای جنسی، پیش از تولد به رشد، سازماندهی، و ساختار سیستم عصبی کمک می‌کنند. ترکیب شیمیایی و ساختار مغز اخیراً تحلیل شده و تفاوت‌هایی را در مردان همجنسگرا در یک کالبدشکافی نشان داده است. مطالعه روان‌پزشک دانشگاه بوستون، ریچارد پیلارد، و روان‌شناس دانشگاه نورث‌وسترن، جی. مایکل بیلی، درباره همجنسگرایی و دوقلوهای پسر همسان و غیرهمسان نشان داده است که در دوقلوهای همسان اگر یکی گی باشد، شانس گی بودن دیگری حدود 50 درصد است. در مورد دوقلوهای غیرهمسان این رقم حدود 20 درصد بود. مطالعات دیگر نشان می‌دهد که 8 تا 12 درصد برادران مردان گی هم‌گی‌اند و این درحالی است که این رقم در جمعیت عمومی 2 تا 4 درصد است.

در زمینه ادبیات تجربی می‌توان گفت که آثار ادبی بسیاری از منظر نابرابری‌های اجتماعی و شهروندی و رشد دگرباشی به موضوع دگرباشان پرداخته‌اند. برای نمونه، چان (2002) نشان می‌دهد که چگونه در مقایسه با دگرجنسگرایان، دگرباشان در هنگ‌کنگ مورد رفتار نابرابر قرار می‌گیرند³. به همین شکل، آچا سعی داشت پژوهشی درباره صنعت جنسی در تایلند و این موضوع انجام دهد که چطور رویکردها و رفتارهای جدیدی در تایلند در حال ظهورند. اتحادیه آزادی‌های شهروندی آمریکا (ACLU) همواره در دادگاه‌ها بسیار فعال بوده است تا حقوق دگرباشان را تضمین کند. مجله اتحادیه با عنوان STAND گزارشی هولناک از وضعیت حقوق‌گی‌ها در سراسر جهان، یعنی بهترین و بدترین کشورها از نظر برابری، منتشر کرد. جارد پلیس (Jared Polis) سازمانی است که خود را به متوقف

1. لویس، کی. (1988). *The psychoanalytic theory of male homosexuality*. نیویورک: سیمون و شاستر.

2. هاولر استرانسکی، ریمادی جی. (1998). Adolescent homosexuality. *Advances in Pediatrics*. Medline.

3. Chan, Phil C. W. (2005). The lack of sexual orientation anti-discrimination legislation in Hong Kong: breach of international and domestic legal obligations. *The International Journal of Human Rights*, Vol.9,(1), pp. 69-106, Available from <http://www.tandfonline.com/doi/abs/10.1080/13642980500032347> [7 November 2012]. HonHH.

ساختن همه اشکال تبعیض و همسو ساختن قانون با ارزش‌های منطبق با زمان متعهد می‌داند. در نوامبر 2015، جارد به تشکیل اولین گروه کاری برابری تراجنسیتی‌ها در سطح کنگره کمک کرد.

در ایران، مطالعات زیادی درباره وضعیت دگرباشان و به‌خصوص وضعیت حقوقی قوانین داخلی درمورد آنها صورت نگرفته است. پروژه اطلاعات و پژوهش خاورمیانه (MERIP) اطلاعاتی درباره سازمان اقدام آشکار جهانی - که پیش از این کمیسیون بین‌المللی حقوق بشر گی‌ها و لزبین‌ها نامیده می‌شد - منتشر کرد. در اکتبر سال 2015 میلادی، اقدام آشکار جهانی سه کارشناسی که حوزه‌های کاری مشترک داشتند را برای گفت‌وگو درباره برخی مسائل مذهبی، حقوقی، و اجتماعی‌ای که افراد دگرباش ساکن ایران با آنها روبه‌رو هستند، گرد هم آورد. پیشتر، یعنی در سال 2012 و 2014 میلادی، دو دوره جلساتی در دوسلدورف آلمان برگزار شده بود که در آنجا اقدام جهانی آشکارا حقوق‌دانان، فعالان حقوق بشر، و دانشگاهیان را برای شرکت در میزگردی درباره وضعیت دگرباشان در ایران دور هم جمع کرده بود. عنوان این میزگرد «حقوق دگرباشان در ایران» بود. گزارش آنها با عنوان «حقوق لزبین‌ها، گی‌ها، دوجنسگراها، و تراجنسیتی‌ها در ایران» خلاصه‌ای از یافته‌ها و نتیجه‌گیری‌های کنفرانس و رویکردهای جدید برای بهبود وضعیت حقوق دگرباشان ایرانی بود.¹ در سال 2013 میلادی، مرکز مستندسازی حقوق بشر ایران گزارشی شصت‌صفحه‌ای با عنوان «هویت انکارشده: نقض حقوق بشر اجتماع دگرباشان ایران» تهیه کرد. هرچند انبوهی از مصاحبه‌ها با گی‌ها، لزبین‌ها، و تراجنسیتی‌های ایرانی انجام شد، به‌دلیل امنیتی، بیشتر این مصاحبه‌شوندگان دیگر در ایران زندگی نمی‌کردند. اما مطالعه حاضر شامل مصاحبه با افرادی است که اکنون در ایران زندگی می‌کنند.

تاریخچه قوانین مخالف دگرباشی

قوانین مخالف رابطه با همجنس به قرن شانزدهم بازمی‌گردند و بخش بزرگی از جامعه انگلیس را نمایندگی می‌کنند که باور داشتند همجنسگرایی «بدترین جرائم» است.² در آن زمان همجنسگرایی عملی ناپذیرفتنی بود، به‌حدی که ثبات جامعه و ویکتوریایی را تهدید می‌کرد و هویتی به نام هویت همجنسگرا در این دوره وجود نداشت. در سال 1952 میلادی در انگلستان، 670 پرونده تعقیب قضایی برای عمل لواط، 3087 پرونده برای سعی در ارتکاب لواط یا رابطه جنسی تحمیلی و 1686 پرونده برای رابطه جنسی میان مردان (دخول) باز شده بود.³

در میان کشورهای مختلف جهان نیز کشورهای آفریقایی نگاهی خشن‌تر به اجتماع دگرباشان دارند. در سپتامبر سال 1995 میلادی، پارلمان زیمبابوه در حرکتی یکپارچه، اصل آزار بیشتر همجنسگرایان و قانونی درباره منع اعمال همجنسگرایانه را تصویب کرد.⁴ بعدها رئیس‌جمهور امرسون منانگاگوا هم دعوت‌های متعدد کشورهای اروپایی در

1. حقوق لزبین‌ها، گی‌ها، دوجنسگراها، و تراجنسیتی‌ها در ایران، از

www.ighlrc.org/.../files/LGBTRightsInIran_0.pdf.

2 Upchurch, Charles. (2009). *Before Wilde: Sex between Men in Britain's Age of Reform*. Berkeley: University of California, P. 14 & 49.

3. Whitaker, Brian. (2006). *Unspeakable Love: Gay and Lesbian Life in the Middle East*. Berkeley. University of California.

4. Marc Epprecht, p180; Hungochani: The History of a Dissident Sexuality in Southern Africa

کارگروه شورای حقوق بشر سازمان ملل برای پذیرش همجنسگرایی را رد کرد، هرچند گفته است که زیمبابوه خود را به ترویج و حمایت از حقوق بشر متعهد می‌داند.¹ رئیس‌جمهور گامبیا، یحیی جامع، نیز درخواست کرد قانونی علیه همجنسگرایان تصویب شود که «از قوانین ایران هم سخت‌گیرانه‌تر باشد». در 27 سپتامبر 2013 میلادی، او در سخنرانی‌اش در سازمان ملل اعلام کرد که «برخی قدرت‌ها همجنسگرایی را - که در همه اشکال و نمودهایش بسیار شیطانی، ضدانسانی و برضد الله است - به اسم حقوق بشر ترویج می‌کنند». او در ادامه گفت: «آنهايي که چنین می‌کنند، می‌خواهند به هستی انسانی پایان دهند»². رئیس‌جمهور اوگاندا به اداره تحقیقات جزایی دستور داد تا لزبین‌ها و گی‌ها را تعقیب و آنها را زندانی کند. مصر از زمان پیوستن به ائتلاف ضدتروریسم آمریکا، مردان گی را در اینترنت دنبال می‌کند و گیر می‌اندازد تا شهروندان را قانع کند که نه تنها مسلمانان افراطی، بلکه دولت نیز به حفظ اخلاقیات ملت پایبند است.³ براساس گزارش‌های انجمن بین‌المللی گی و لزبین (ILGA) در سال 2015 میلادی⁴، 34 کشور از 55 کشوری که توسط سازمان ملل یا اتحادیه آفریقا یا هر دو به رسمیت شناخته می‌شوند، همجنسگرایی را ممنوع کرده‌اند. ILGA گزارش داده است که از آگوست سال 2016 میلادی، مجموع 72 کشور قوانین جزایی علیه عمل جنسی دگرباشان داشته‌اند⁵ که بیشتر این کشورها در آفریقا یا آسیا واقع شده‌اند.⁶

زندگی آزاد دگرباشان در کشورهایی با جمعیت بیشینه مسلمان نادر است. در سال 2017 میلادی، جنبشی ضد گی در چین برای پاکسازی گی‌ها تشکیل شد. مقامات امنیتی و پلیس مردان گی و دوجنسگرا را دستگیر می‌کردند، آنها را کتک می‌زدند و شکنجه می‌کردند. در میان کشورهای عربی، مجازات عمل همجنسگرایی در الجزیره، بحرین، کویت، لبنان، لیبی، مراکش، عمان، قطر، سومالی، تونس، و سوریه زندان است. این مجازات در بحرین ممکن است حبس در زندان تا ده سال باشد.⁷ در عربستان سعودی، سودان، یمن و موریتانی، لواط مستوجب مجازات مرگ است. چهارده کشور با جمعیت عظیم مسلمان، قوانینی دارند که مجازات مرگ را برای رفتارهای همجنسگرایانه در نظر می‌گیرند یا چنین اعدام‌هایی را مجاز می‌دانند.⁸ در ایران لواط جرمی با مجازات اعدام است. از زمان انقلاب اسلامی ایران در سال 1357 شمسی، دولت ایران بیش از چهار هزار نفر را به جرم همجنسگرایی اعدام کرده است.⁹ البته دولت ایران این چهار هزار اعدام را تأیید

1. Zimbabwe's LGBT community: why civil rights and health issues go hand in hand. from <https://www.news24.com/Africa/Zimbabwe/zimbabwes-lgbt-community-why-civil-rights-and-health-issues-go-hand-in-hand-20180131-2>. Accessed: Feb 26th, 2018.

2. Gambian president says gays a threat to human existence-20130928, Reuters, 28 Sept 2013.

3. Gauch, S. (2002, March 1). Egypt cracks down on gays, trumping Islamists. *Christian Science Monitor*, p. 7

4. Anthony Appiah and Henry Louis Gates, *Encyclopaedias of Africa*, Volume 2 OUP, USA, 2010.

5. State Sponsored Homophobia 2016: A world survey of sexual orientation laws: criminalisation, protection and recognition (PDF). International Lesbian, Gay, Bisexual, Trans and Intersex Association. 17 May 2016. Retrieved 19 May 2016.

6. See http://www.like2do.com/learn?s=LGBT_rights_by_country_or_territory.

7. Whitakar, Brian. (2016). Everything you need to know about being gay in Muslim countries. <https://www.theguardian.com/world/2016/jun/21/gay-lgbt-muslim-countries-middle-east>

8. *State-Sponsored Homophobia report from ILGA, the International Lesbian, Gay, Bisexual, Trans and Intersex Association. 2017 edition,*

9. Vexen Crabtree (3 January 2014). The Battle between Monotheism and Homosexuality: Religious Prejudice Versus Equality: Islam. Retrieved 8 December 2014.

نکرده است و اطلاع از تعداد دقیق دگرباشانی که اعدام شده‌اند، کار آسانی نیست، اما به‌نظر می‌رسد که اوضاع در ایران در حال تغییر است و در چند سال گذشته، در بیشتر این کشورها، از تعداد اعدام‌ها کاسته شده است و پلیس بسیاری از رفتارهای همجنس‌گرایانه را نادیده می‌گیرد و با آنها مدارا می‌کند. در ترکیه، در سال 1858 میلادی، از رابطه با همجنس جرم‌زدایی شد و تبعیض‌های قانونی محدودتر شدند، هرچند بخش عظیمی از مردم ترکیه با پذیرش همجنس‌گرایی در سطح جامعه مخالف هستند. پلیس سوریه نیز به‌ندرت گی‌ها را دستگیر می‌کند. در افغانستان، ثروتمندان پسرانی رقصنده را با عنوان پسرانی که با مردان رابطه جنسی برقرار می‌کنند، می‌خرند و بچه‌بازی مرسوم است.¹

در آمریکا و کانادا، درصد پذیرش همجنس‌گرایی در جامعه از سال 2007 میلادی تاکنون، دست‌کم تا ده درصد افزایش داشته است.² امروزه در آمریکا، رویکرد بسیاری از آمریکایی‌ها به همجنس‌گرایی به‌سبب دهه‌ها کار پژوهشی بی‌وقفه بشردوستان و فمینیست‌ها و نهادهای تغییر کرده است.³ این تغییرات متعدد زندگی را برای همجنس‌گرایان آسان کرده است. در این کشور، تصمیمات حقوقی مهم همگانی نیز گرفته شده است که نوعی پیروزی تاریخی برای حقوق دگرباشان محسوب می‌شود. در آمریکا، نظرسنجی‌های عمومی نشان می‌دهد که بیشتر آمریکایی‌ها از حق ازدواج همجنس‌گرایان حمایت می‌کنند و این حمایت حتی در میان گروه‌هایی که در گذشته مخالف بودند، مانند مسیحیان انجیلی، به‌تدریج رو به افزایش است.⁴

در استرالیا تا سال 1949 میلادی، کتاب‌های قانون ایالت جنوبی ویکتوریا مجازات مرگ را برای لواط در نظر داشتند، اما سرانجام در سال 1975 میلادی تغییراتی رخ داد و استرالیا ی جنوبی اعلام کرد که همجنس‌گرایی مردان جرم نیست.⁵ نهایتاً در نوامبر سال 2017 میلادی، استرالیا ازدواج همجنس‌گرایان را به رأی گذاشت و بیشتر افراد (حدود هشت میلیون نفر و معادل 61.6 درصد جمعیت) در حرکتی تاریخی به این نظرسنجی رأی مثبت دادند.⁶

از ماه مارس سال 2017 میلادی، بیست‌ودو کشور که بیشتر در قاره آمریکا و اروپای غربی واقع شده‌اند (آرژانتین، بلژیک، برزیل، کانادا، کلمبیا، دانمارک، فنلاند، فرانسه، ایسلند، لوکزامبورگ، هلند، نروژ، پرتغال، اسپانیا، سوئد، بریتانیا، آمریکا، و اروگوئه) ازدواج همجنسان را به رسمیت شناخته‌اند و اگر نه همه حقوق، ولی بیشتر حقوق انسانی را برای شهروندان دگرباش محترم می‌شمارند.⁷

جنبش دگرباشان

1. Straight but Narrow, The Economist www.economist.com/node/21546002.

2. The Global Divide on Homosexuality Greater Acceptance in More Secular and Affluent Countries, WWW; pewglobal.org.

3. David Halperin, (2002). How to Do the History of Homosexuality.

4. Ari Ezra Waldman A Legal Analysis of the Supreme Court's Historic. Towleroad www.towleroad.com/2015/06/obergefell-v-hodges.

5 <https://www.voanews.com/a/australia-weeks-away-from-legalizing-gay-marriage/4122352.html>.

6. <http://www.dailymail.co.uk/news/article-5079049/Marriage-equality-results-Australia-votes-Yes.html#ixzz4zSvWAYwu>.

7. PEW Research Center. Gay Marriage around the World. From <http://www.pewforum.org/2017/08/08/gay-marriage-around-the-world-2013/> Accessed: October 1st, 2017.

بررسی کلی تاریخ، نفرت علنی جامعه از همجنسگرایی و طرد آنان را نشان داده است که با چه شدتی همجنسگرایی مردود دانسته می‌شد. برای مثال، دادگاه اسکار وایلد به تعقیب قانونی موفقیت‌آمیزی تحت سند اصلاح قانون جزا در سال 1885 میلادی برای «عمل بی‌شرمانه سنگین» و دو سال کار سخت در زندان ختم شد. وضعیت در دهه 1900 میلادی چندان بهتر نبود. پلیس نیویورک در تاریخ 21 فوریه سال 1903 اولین حمله ثبت‌شده در آمریکا به یک حمام عمومی گی‌ها به نام حمام هتل آریستون را انجام داد. در این حمله، بیست‌وشش مرد دستگیر و 12 نفر از آنان به جرم لواط محاکمه شدند. هفت مرد هم به 4 تا 20 سال زندان محکوم شدند. در زمان مک‌کارتی هنگامی که جادوگران مورد تعقیب بودند، 190 نفر به دلیل گرایش جنسی خود از آمریکا اخراج شدند. این واکنش شدید اجتماعی که با ممنوعیت مصرف الکل در آمریکا شروع شد در کل دهه 50 میلادی ادامه یافت. فعالیت‌های زیرزمینی دگرباشان لغو شد، نمایش‌ها و فیلم‌ها سانسور می‌شدند و انبوهی از قوانین و مقررات وضع شدند تا اجازه ندهند همجنسگرایان در رستوران‌ها، بارها و باشگاه‌ها پذیرایی شوند یا حتی کار کنند. تا سال 1970 میلادی، سرو نوشیدنی الکلی در نیویورک برای کسی که همجنسگرایی او مشخص بود، غیرقانونی بود. در طی جنگ سرد، سیاست‌های پلیسی برضد گی‌ها شدت یافت. پلیس محلی هشدار داد که همجنسگرایان کودکان مملکت را تهدید می‌کنند. در آلمان نازی، همجنسگراها به اردوگاه‌های مرگ فرستاده می‌شدند. در زمان هولوکاست، 100000 مرد گی دستگیر شدند و بین 5000 تا 15000 مرد همجنسگرا در اردوگاه‌های مرگ نازی‌ها جان دادند.

همان‌گونه که در بخش قبلی بیان شد، امروزه وضعیت در بسیاری از کشورهای جهان تغییر کرده است. بدون شک، وقوع جنبش‌های مختلف اعتراضی دگرباشان عامل مهمی در این تغییر وضعیت بوده است. بسیاری بر این باورند که جنبش گی‌ها با شورش‌های استون وال (Stone Wall) در سال 1969 میلادی شروع شد. بی‌شک، شورش‌های استون وال نقطه عطفی در حقوق دگرباشان بود، چراکه این قیام به تولد جنبش بین‌المللی حقوق مردان همجنسگرا کمک کرد. در سال 1969 میلادی، درخواست شروع رابطه همجنسگرایانه در نیویورک و در واقع، در همه مراکز شهری ایالات متحده عملی غیرقانونی بود. بنابراین بارهای گی‌ها پناهگاه‌هایی بود برای مردان گی، لژیون‌ها و دیگر افرادی که از نظر تمایلات جنسی مشکوک بودند. در مکان‌ها، این افراد می‌توانستند پنهانی در امنیتی نسبی به‌دور از آزار عمومی با یکدیگر معاشرت کنند. در ساعات آغازین صبح روز شنبه 28 ژوئن 1969 میلادی، نه پلیس وارد استون وال این (Stone Wall Inn) شدند و کارکنان را به جرم فروش الکل بدون مجوز دستگیر کردند و به ضرب‌وشتم مشتریان پرداختند و بار را خالی کردند. در آن زمان، قانون جزای نیویورک دستگیری هرکس را که دست‌کم سه تکه لباس مطابق با جنسیتش پوشیده باشد، مجاز می‌دانست. بنابراین براساس این قانون، چندین نفر را بازداشت کردند. احتمالاً در زمان وقوع حادثه استون وال اولین بار بود که افراد دگرباش ارزش اتحاد در جهت یک آرمان مشترک را دریافتند. خیلی زود استون وال به نمادی از مقاومت در برابر تبعیض اجتماعی و سیاسی تبدیل شد که در طی دهه‌های بعد الهام‌بخش همبستگی میان گروه‌های همجنسگرا شد.

کنشگری سازمان‌یافته برای حقوق‌گ‌ها در اوایل دهه 2000 میلادی در خاورمیانه نیز شروع شد. در سال 2002 میلادی، عده‌ای از زنان فلسطینی گروه «اصوات» (صداها) را تشکیل دادند که بعدها گروه فلسطینی دیگری به نام «القوس» (رنگین‌کمان) به آن گروه پیوست. حدود سال 2004 میلادی، گروهی از کنشگران لبنانی «حالم» را تأسیس کردند که نخستین سازمان دگرباشان بود و آشکارا در کشوری عربی فعالیت می‌کرد. گروه‌های دیگری نیز در نقاط مختلف سر برآوردند، اما اغلب به سرعت هم ناپدید شدند. مجله اردنی My Kali با هدف «پرداختن به موضوع همجنسگراهراسی و تراجنسیتی‌هراسی و توانمندسازی جوانان برای کنار زدن دوقطبی‌های جنسیتی رایج در دنیای عرب»، از سال 2007 میلادی، به‌شکلی منظم منتشر می‌شود.

قوانین جهانی و حقوق دگرباشان

وقوع این حرکت‌های اعتراضی باعث ورود سازمان‌های جهانی و حقوق بشر به موضوع دگرباشان شد. در دو دهه گذشته، تغییرات عظیمی مخصوصاً در به رسمیت شناختن تمایل جنسی و در نتیجه، حقوق جنسی افراد صورت گرفته است. قوانین حقوق بشر مدام در حال تکامل‌اند، از به رسمیت شناختن حقوقی در پیمان‌نامه‌ها و قطعنامه‌های سازمان ملل گرفته تا رویه‌های داخلی دولت‌ها و قواعد امره حقوق بین‌الملل. بسیاری از حمایت‌هایی که امروز ساده از کنار آنها می‌گذریم، در قوانین داخلی بین‌المللی ریشه دارند که به پذیرش تدریجی اصول کلی قوانین بین‌المللی منجر شده‌اند و در بیشتر نظام‌های حقوقی مشترک‌اند.

سازمان ملل به‌طور خاص موضع خود را از طریق قطعنامه‌هایی که تبعیض مبتنی بر گرایش جنسی و هویت جنسیتی را محکوم می‌کند، روشن کرده است. در اولین گزارش سازمان ملل درباره حقوق افراد لزبین، گی، دوجنسگرا، و تراجنسیتی در سال 2011 میلادی، به کشته شدن افراد در سراسر جهان، خشونت‌های ناشی از تنفر، شکنجه، بازداشت، جرم‌انگاری و تبعیض در حوزه اشتغال، سلامت و آموزش و جزئیات آنها به سبب هویت جنسیتی یا گرایش جنسی واقعی یا فرضی افراد پرداخته شد. براساس این گزارش، همجنسگراستیزی و تراجنسیتی‌هراسی در تمام نقاط جهان وجود دارد. خشونت اعمال‌شده علیه این گروه به‌طور خاص در مقایسه با دیگر جرائم تعصب‌محور پلیدتر بوده است. «نمونه‌ها اغلب درجه زیادی از خشونت و سببیت را نشان می‌دهند که ضرب و شتم، شکنجه، مثله، اختگی، و حمله جنسی را شامل می‌شود»¹.

کمیسر عالی حقوق بشر سازمان ملل، زید رعد الحسین، سلف او، ناوی پیلا، دبیرکل پیشین سازمان ملل، بان کی مون، و دیگر مقامات ارشد سازمان ملل در چند بیانیه عمومی از حمایت از دگرباشان سخن گفته‌اند. در روز جهانی حقوق بشر (دهم دسامبر)، دبیرکل اولین سخنرانی خود از مجموعه سخنرانی‌های اصلی حوزه سیاست‌گذاری را به تحقق برابری برای دگرباشان اختصاص داد و خواستار جرم‌زدایی از همجنسگرایی در سطح جهانی و دیگر تمهیداتی شد که به توقف خشونت و تبعیض کمک می‌کند. او گفت: «ما به عنوان مردان و زنانی باوجدان، تبعیض کلی و تبعیض خاص مبتنی بر گرایش جنسی و

1. UN Human Rights Council, Report of the United Nations High Commissioner for Human Rights on Discriminatory laws and practices and acts of violence against individuals based on their sexual orientation and gender identity, 2011, UN Human Rights Council: Geneva

هویت جنسیتی را مردود می‌دانیم. در جایی که تقابلی بین رویکردهای فرهنگی و حقوق بشر همگانی وجود دارد، این حقوق است که باید در نظر گرفته شود». از سال 2003 میلادی، مجمع عمومی از طریق قطعنامه‌های خود در زمینه اعدام‌های خودسرانه، غیرقانونی یا اختصاری به‌کرات خواستار توجه به قتل افراد به‌سبب هویت جنسیتی یا گرایش جنسی آنها شده است.

در سال 2011 میلادی، شورای حقوق بشر سازمان ملل قطعنامه 19/17 را تصویب کرد که اولین قطعنامه سازمان ملل درباره هویت جنسیتی و گرایش جنسی بود که «نگرانی عمیقی» از خشونت و تبعیض علیه افراد به‌سبب هویت جنسیتی و گرایش جنسی را اعلام کرد. در پی این به رسمیت شناختن دگرباشان، گزارشی از کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل منتشر شد که موارد نقض حقوق افراد دگرباش همچون جرائم ناشی از نفرت، جرم‌انگاری همجنسگرایی، و تبعیض را مستند ساخت. یافته‌های این گزارش اساس بحثی شد که در مارس سال 2012 میلادی در شورا مطرح شد. این اولین بار بود که یک نهاد بین‌الدولی سازمان ملل به‌شکلی رسمی درباره این موضوع بحث کرد و همین کار راه را برای اولین گزارش رسمی سازمان ملل درباره این موضوع هموار کرد. به همین ترتیب، شورای حقوق بشر سازمان ملل انواع قطعنامه‌های سازمان ملل را در زمینه حقوق بشر، گرایش جنسی و هویت جنسی تصویب کرد که در ادامه خواهد آمد.

در سپتامبر سال 2014 میلادی، شورای حقوق بشر قطعنامه جدیدی (32/27) تصویب کرد که بار دیگر از نقض حقوق بشر عمیقاً ابراز نگرانی می‌کرد و از کمیسر عالی خواست گزارش جدیدی (A/HRC/19/41) با هدف اشتراک‌گذاری رویه‌ها و روش‌های مناسب برای غلبه بر خشونت و تبعیض با به‌کارگیری قوانین و استانداردهای حقوق بشری موجود تهیه کند و آن را در بیست‌ونهمین جلسه شورای حقوق بشر ارائه نماید¹.

ایران و قوانین دگرباشان

ایران جامعه‌ای سنتی است که همجنسگرایی را نوعی ناهنجاری می‌بیند. در ایران وقتی جنسیت فردی پرسیده می‌شود، او نمی‌تواند گزینه‌سومی را در نظر بگیرد. هرکسی یا مرد است یا زن. این موضوع آن‌قدر روشن است که جایی برای شک وجود ندارد. هرگونه فاصله‌گیری با این نظام جنسی دوگانه در ایران در دسته اختلالات رفتاری و روانی فردی قرار می‌گیرد. بر همین اساس، قانون جزای موجود در ایران با افراد دگرباش مدارا نمی‌کند. در ایران، یک رابطه آشکار همجنسگرایانه پیامدهایی همچون تعقیب قضایی، آزار، صد ضربه شلاق تا اعدام را در پی دارد. همجنسگرایی رازی سرگشوده و ابراز آن مسیری دشوار و کاری است که تنها تعداد کمی از افراد حتی در شهری بزرگ مانند تهران به آن دست می‌زنند. بسیاری از این افراد در ترس همیشگی آشکار شدن هویت جنسی‌شان و طرد از سوی جامعه و خانواده به‌سر می‌برند.

ماده 233 قانون مجازات اسلامی «لواط را عبارت از دخول اندام تناسلی مرد به‌اندازه ختنه‌گاه در دُبر انسان مذکر می‌داند» و ماده 234 مجازات حدّ لواط برای فردی که عمل

1. United Nations Statement on LGBT discrimination - ohchr.org; www.ohchr.org/EN/Issues/Discrimination/Pages/LGBT.aspx.

دخول را انجام می‌دهد، در صورتی که در این کار از زور یا اجبار استفاده شده باشد یا در شرایطی که شامل احسان می‌شود، اعدام در نظر گرفته است. در غیر این صورت، باید به صد ضربه شلاق محکوم شود. مجازات حد برای مفعول رابطه در هر صورت (چه شرایط احسان را داشته باشد و چه نداشته باشد) اعدام است. اگر فاعل غیرمسلمان باشد و مفعول مسلمان، مجازات حد برای فاعل اعدام است.

براساس ماده 235 قانون مجازات اسلامی «تفخیذ عبارت از قرار دادن اندام تناسلی مرد بین ران‌ها یا نشیمنگاه انسان مذکر است.» ماده 236 درمورد تفخیذ، حد فاعل و مفعول را صد ضربه شلاق می‌داند و از این جهت، فرقی میان محسن و غیرمحسن و علف و غیر علف نیست. ماده 237، همجنسگرایی انسان مذکر در غیر از لواط و تفخیذ از قبیل تقبیل و ملاسمه از روی شهوت را موجب سی‌ویک تا هفتاد و چهار ضربه شلاق تعزیری درجه شش می‌داند.

ماده 238 قانون مجازات اسلامی مساحقه را این می‌داند که انسان مؤنث اندام تناسلی خود را بر اندام تناسلی همجنس خود قرار دهد و براساس ماده 239، حد مساحقه صد ضربه شلاق است. ماده 240، فرقی بین فاعل و مفعول و مسلمان و غیرمسلمان و محسن و غیرمحسن و علف و غیر علف در حد مساحقه قائل نیست.

از موارد بالا می‌توان دریافت که قوانین ایران هر نوع رابطه همجنسگرایانه را جرم می‌داند و طیفی از مجازات‌ها را از صد ضربه شلاق برای رابطه جنسی از سر رضایت بین دو زن (ماده 239) تا اعدام برای دخول جنسی از سر رضایت بین دو مرد (ماده 234) در نظر می‌گیرد. همچنین این قانون سایر رفتارهای مشابه بین دو همجنس همچون لمس و بوسیدن را جرم می‌داند و مجازاتی تا 74 ضربه شلاق برای آنها در نظر می‌گیرد. مواد 232 و 233 قانون مجازات اسلامی «مفعول» یک رابطه جنسی از سر رضایت میان دو مرد را به مرگ محکوم می‌کند، درحالی که همین قانون «فاعل» را به صد ضربه شلاق - در صورتی که مسلمان و مجرد باشد - محکوم می‌کند.

درست است که ایران معاهده‌نامه‌ها و قطعنامه‌های گوناگون حقوق بشر را امضا کرده است، اما نبود همگرایی بین استانداردهای بین‌المللی و اسلام امری واضح است. قانون جزای ایران که سنگسار، قطع عضو و شلاق را شامل می‌شود، مصداق تعریف قانون بین‌الملل از شکنجه است. پیمان‌نامه منع شکنجه و دیگر رفتارها یا مجازات‌های بی‌رحمانه، غیرانسانی یا تحقیرکننده، دقیق‌ترین و مستندترین تعریف از شکنجه براساس قانون بین‌الملل را ارائه می‌کند که بدین شرح است: «هر عمل عمدی که بر اثر آن درد یا رنج شدید جسمی یا روحی علیه فردی به‌منظور کسب اطلاعات یا گرفتن اقرار از او یا شخص سوم اعمال شود، شکنجه نام دارد. (همچنین) مجازات فردی به‌عنوان عملی که او یا شخص سوم انجام داده است یا احتمال می‌رود که انجام دهد، با تهدید و اجبار و بر مبنای تبعیض از هر نوع و هنگامی که وارد شدن این درد و رنج یا به تحریک و ترغیب یا با رضایت و عدم مخالفت

مأمور دولتی یا هر صاحب مقام دیگر انجام گیرد، شکنجه تلقی می‌شود. درد و رنجی که به‌طور ذاتی یا به‌طور تبعی لازم مجازات قانونی است، شامل (این کنوانسیون) نمی‌شود.»

از اوت سال 2017 میلادی، یک‌صد و شصت و دو کشور عضو این پیمان‌نامه بوده‌اند، اما ایران هنوز آن را امضا نکرده است. با این حال، ایران عضو پیمان‌نامه بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی است. براساس ماده 7 این پیمان‌نامه «هیچ‌کس نباید مورد شکنجه یا رفتار یا مجازات خشن، غیرانسانی یا تحقیرآمیز قرار گیرد». ایران رعایت نکردن این موارد را با این ادعا توجیه می‌کند که در مواردی که پیمان‌نامه «با فقه اسلامی مطابقت ندارد» حق حکم جدیدی را برای خود محفوظ می‌داند.

برخلاف همجنسگرایان، افراد ترانجسیتی با قوانین راحت‌تری در ایران زندگی می‌کنند و دولت از عمل‌های تغییر جنس آنها حمایت مالی می‌کند. فتوای امام خمینی، بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، درباره تغییر جنسیت به‌روشنی بیان داشت که از نظر فقهای شیعه در ایران، عمل تغییر جنس «رامحلی» برای رفع اختلال هویت جنسیتی است و درواقع، بعد از تثبیت نظام جمهوری اسلامی از طریق این فتوای مذهبی بود که به دولت اجازه نظارت بر عمل‌های جراحی تغییر جنسیت داده شد. هرچند عمل تغییر جنس سیاست رسمی دولت برای مجبور کردن زنان و مردان دگرباش به انجام این عمل نیست، ولی فشار زیادی روی آنها وجود دارد و نتیجه این می‌شود که این افراد حالا مجبورند با درد و زخم‌های عاطفی زندگی کنند. تصور این موضوع مشکل نیست که بسیاری از آنها واقعاً میلی به جراحی ندارند. بنابه گزارش‌های موجود در کمتر از چهار سال از سال 2006 تا 2010 میلادی، تعداد 1360 عمل تغییر جنس در ایران انجام شده است.¹

روش تحقیق

در این تحقیق، از روش تحقیق ترکیبی بهره برده شده است تا همه تکنیک‌ها، مفاهیم و زبان‌های کمی و کیفی در یک مطالعه واحد در نظر گرفته شود. استفاده از روش ترکیبی به غنای تحقیق می‌افزاید، زیرا هر تکنیک مخالفان و مدافعان خود را دارد.² این پژوهش شامل 400 روایت شخصی از تعصب و اشکال مختلف تبعیض است که شرکت‌کنندگان دگرباش از سه شهر بزرگ ایران، یعنی تهران و مشهد و اصفهان آنها را نقل کردند. برخلاف دیگر مطالعات در این زمینه، تحقیق حاضر دلایل و علت‌های ریشه‌ای ترس و سرکوب اجتماع دگرباشان در کنار دیگر عوامل در ایران را بررسی می‌کند. در این شهرها، پاتوق‌ها و پارک‌های شناخته‌شده‌ای وجود دارد که دگرباشان مخفیانه در گروه‌های کوچک گرد هم می‌آیند یا برای آشنایی، در آنجا یکدیگر را ملاقات می‌کنند.

1. دگرباشان ایرانی و قوانین، از

<http://hir.harvard.edu/article/?a=9885>. 12 april 2018.

2. Johnson, B.; & Christensen L. (2012). *Educational Research: Quantitative, Qualitative, and Mixed Approaches*. Thousand Oaks, CA: Sage Publications, Inc.

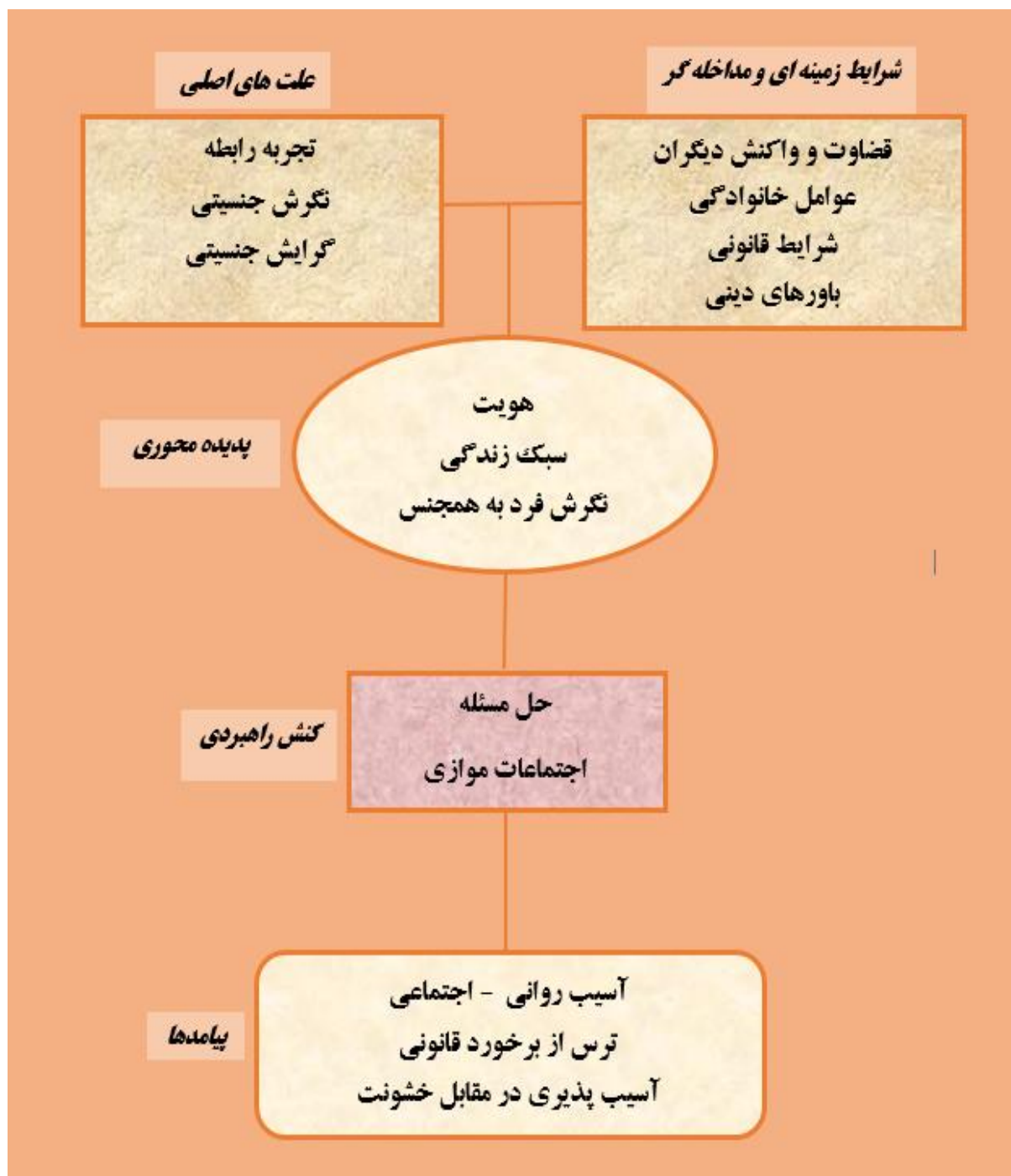
برای انتخاب پاسخ‌دهندگان و مصاحبه‌شوندگان از روش نمونه‌گیری گلوله برفی استفاده شد. نمونه‌گیری گلوله برفی تکنیک رایجی در میان دانشمندان و پژوهشگران علوم اجتماعی است که قصد کار با جمعیت‌هایی را دارند که شناسایی یا پیدا کردن آنها دشوار است. این مورد معمولاً وقتی اتفاق می‌افتد که این جمعیت‌ها به‌نوعی به حاشیه رانده شده‌اند یا بی‌خانمان‌اند یا جزو کسانی‌اند که سابقه زندان دارند یا در فعالیت‌های غیرقانونی شرکت داشته‌اند. البته استفاده از تکنیک نمونه‌گیری برای افرادی که عضویتشان در یک گروه خاص به‌سختی قابل‌تشخیص است، همچون دگرباشان ایرانی، نیز رایج است. کار میدانی این تحقیق در بازه زمانی شهریور تا آذر 1396 شمسی انجام شد و فرایند انجام مصاحبه باوجود رسیدن به اشباع نظری به‌دلایل پیچیدگی و وسعت جغرافیایی همچنان ادامه یافت که باعث روشن شدن نکات مهم و جزئیات بسیار جالب و منحصر به فردی نیز شد.

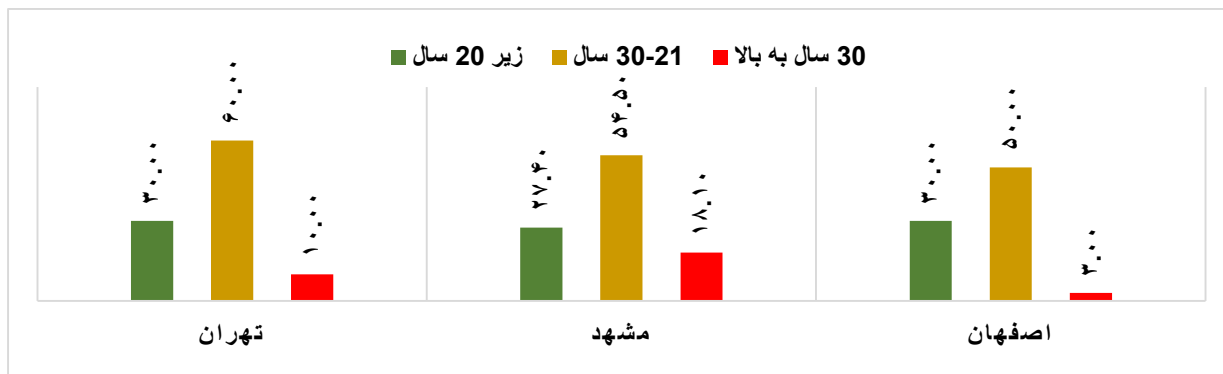
از آنجاکه پیاده‌سازی درست نتایج تحقیق، در تمامی موارد، حیاتی است، این امر طبیعتاً سبب شد تا از روش کیفی نظریه داده‌بنیاد (GT) استفاده شود. در روش نظریه داده‌بنیاد، به‌محض جمع‌آوری داده‌ها، فرایند تحلیل شروع می‌شود و تا زمانی که تحقیق تمام نشده باشد، ادامه می‌یابد. وقتی داده‌های کافی جمع‌آوری و پیاده‌سازی شد، می‌توان به‌سراغ مرحله بعد، یعنی ایجاد نظامی شاخص برای داده‌ها رفت. روش نظریه داده‌بنیاد، آن‌گونه که توسط استراوس و کوربن (1998) توصیف شده است، «نظریه‌ای است که از داده‌ای استخراج می‌شود که به‌شکل نظام‌مند از طریق فرایند پژوهش جمع‌آوری و تحلیل شده است»¹. بنابراین در این پژوهش، به‌دلایل متعددی نظریه داده‌بنیاد انتخاب شده است²؛ اولاً این نظریه انعطاف زیادی دارد تا به شرکت‌کنندگان اجازه دهد که از طریق موضوعات شناسایی‌شده تجربیاتی به‌دست آورند. ثانیاً از آنجاکه اطلاعات زیادی از حضور دگرباشان در ایران وجود ندارد، لازم است پژوهشگر در طی فرایندهای جمع‌آوری و تحلیل داده، که هم‌زمان اتفاق می‌افتد و هریک به دیگری منجر می‌شود، انعطاف‌پذیر و گشاده باشد. سپس یافته‌های پژوهش جمع‌آوری، بررسی و با کمک نظریه GT مثلث‌سازی شد تا وضعیت واقعی برای بیشتر خوانندگان از طریق نمودار و نقل‌قول‌های مستقیم مشخص شود. این یافته‌ها نشان‌دهنده تحلیلی کامل از آن چیزی است که مطالعه از طریق فرایند پژوهشی جامع در سه شهر بزرگ و مهم ایران به‌دست آورده است.

مدل مفهومی تجربه زیسته اقلیت‌های جنسی در شهرهای بزرگ ایران (1396-97)

1. Strauss, A. L.; & Corbin, J. M. (1998). *Basics of qualitative research: Techniques and procedures for developing grounded theory* (2nd ed.). Thousand Oaks: Sage Publications, p. 12.

2. Punch, M. (1998). *Politics and ethics in qualitative research*. In N. K. Denzin & Y. S. Lincoln (Eds.), *The landscape of qualitative research: Theories and issues*. Thousand Oaks, CA: Sage Publications, pp. 156-184.





الف) یافته‌های کمی

1. گرایش جنسی پاسخ‌دهندگان

نمودار شماره 1: توزیع گرایش جنسی دگرباشان



داده‌های نمودار شماره 1 نشان‌دهنده شیوع لزبین‌ها، گی‌ها، و دوجنس‌گراها در جمعیت‌های نمونه تهران، مشهد و اصفهان است. در تهران این شیوع به ترتیب ذیل است: لزبین‌ها 35٪، گی‌ها 37.5٪، و دوجنس‌گراها 27.5٪. این ارقام در مشهد به این ترتیب است: لزبین‌ها 22.7٪، گی‌ها 45.5٪، و دوجنس‌گراها 31.9٪ و در اصفهان عبارت‌اند از: لزبین‌ها 20٪، گی‌ها 55٪، و دوجنس‌گراها 25٪. این نمودار نشان می‌دهد که در این سه شهر، تعداد گی‌ها به مراتب بیشتر از لزبین‌ها و دوجنس‌گراها است و نسبت 35٪ لزبین‌ها در تهران نشان‌دهنده سطح آزادی نسبی آنها در مقایسه با لزبین‌ها در مشهد و اصفهان است.

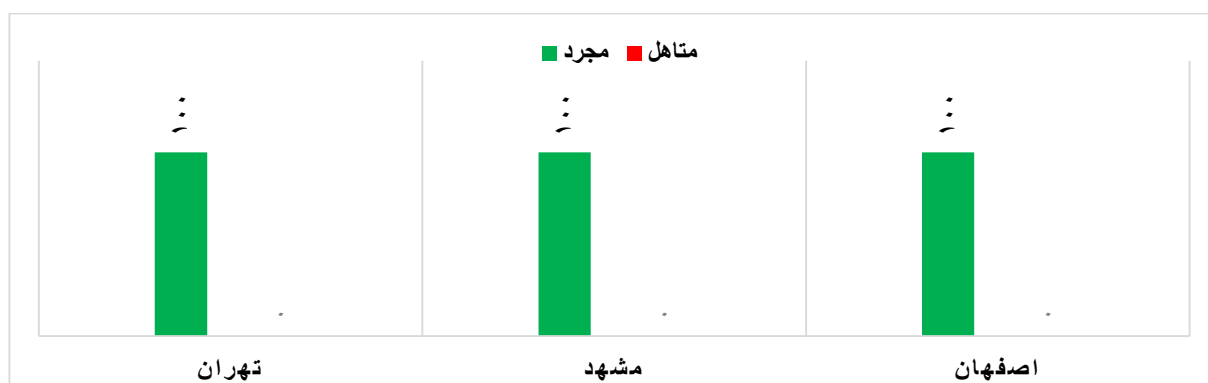
2. سن پاسخ‌دهندگان

نمودار شماره 2 توزیع سنی همجنس‌گرایان را در سه شهر تهران، مشهد، و اصفهان نشان می‌دهد. براساس این نمودار، در تهران 30٪ همجنس‌گرایان زیر 20 سال و 60٪ آنها بین 20 تا 31 سال، و 10٪ بالای 31 سال هستند. در مشهد 27.4٪ زیر 20 سال، 54.5٪ بین 21 تا 30 سال، و 18.1٪ بالای 31 سال هستند. در اصفهان این ارقام به ترتیب 30٪، 50٪ و 7٪ است.

نمودار شماره 2: توزیع سن دگرباشان

یافته‌ها مشخصاً دلالت بر این دارد که همجنس‌گرایان در جامعه هدف بیشتر در گروه سنی 20 تا 31 سال قرار دارند و کاهش چشمگیری را می‌توان در گروه سی‌ساله‌ها دید.

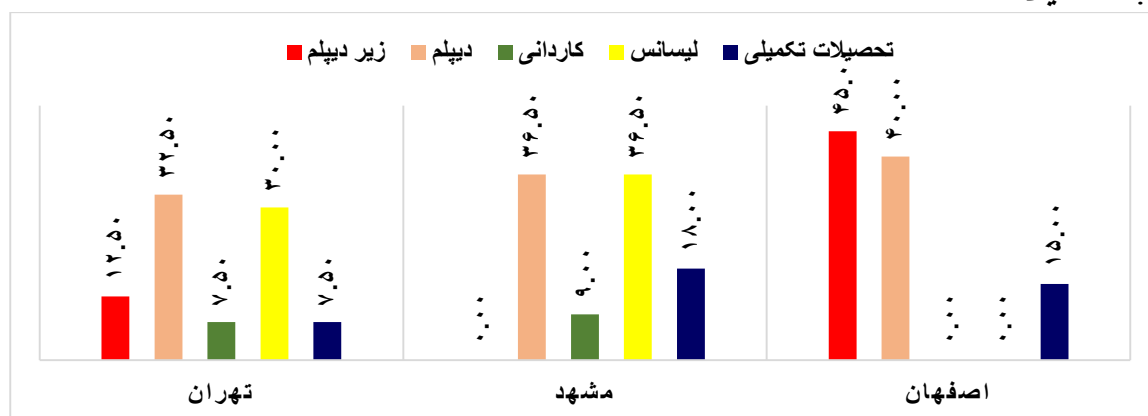
3. وضعیت تأهل



نمودار شماره 3: وضعیت تأهل دگرباشان

نمودار شماره 3 وضعیت تأهل پاسخ‌دهندگان را مشخص می‌کند و نشانگر آن است که صددرد صد جمعیت نمونه مجرد است. به دلایل بسیاری، مردان و زنان همجنسگرا ممکن است رابطه با فردی از جنس مخالف را شروع کنند. یکی از دلایل غالب تشکیل خانواده ارزش سنتی آن و فشارهای اجتماعی است. براساس این نمودار، همین جمعیت دلیلی برای ورود به ازدواج و زندگی خانوادگی به شکل سنتی، مذهبی و قانونی نمی‌بیند. با این حال، در صورت تمکین از درخواست‌های خانواده و جامعه، هر ازدواجی با این ماهیت به دلیل فشارهای جنسی و هویتی وارده بر شریک همجنسگرا درهم می‌شکند و تنها درصد بسیار پایینی از این ازدواج‌ها دوام می‌آورد.

4. تحصیلات



نمودار شماره 4: تحصیلات دگرباشان

نمودار شماره 4 سطح تحصیلی همجنسگرایان را در سه شهر تهران، مشهد، و اصفهان نشان می‌دهد. در تهران 12.5% همجنسگرایان دیپلم ندارند، 7.5% آنها پیش‌دانشگاهی را تمام کرده‌اند، 30% مدرک کارشناسی دارند، و 7.5% تحصیلات تکمیلی را به‌پایان برده‌اند. در مشهد این ارقام به‌ترتیب 36.5%، 9%، 36.5%، و 18% است و در اصفهان 45% دیپلم ندارند، 40% دیپلم دارند، و 15% تحصیلات دانشگاهی دارند. براساس نمودار، می‌توان گفت که ظاهراً تمایل جنسی یک فرد به موقعیت تحصیلی او بستگی چندانی ندارد. همجنسگرایی را می‌توان در تحصیل‌نکرده‌ها، فردی با تحصیلات پایین و افراد دارای مدارک بالای تحصیلی دید. نمودار نشان می‌دهد که بیشتر همجنسگرایان، خصوصاً در اصفهان، مدرک دیپلم و کارشناسی دارند.

5. جایگاه اقتصادی - اجتماعی

نمودار شماره 5: جایگاه اقتصادی - اجتماعی دگرباشان

نمودار شماره 5 به جایگاه اقتصادی - اجتماعی همجنسگرایان در تهران، مشهد، و اصفهان مربوط می‌شود. در تهران 80% همجنسگرایان در طبقه متوسط و 20% در طبقه مرفه جامعه جای می‌گیرند. در مشهد 50% آنها در طبقه متوسط و 50% در طبقه مرفه‌اند. در اصفهان، 20% همجنسگرایان در طیف جایگاه اقتصادی - اجتماعی پایین‌تر، 55% در طبقه متوسط و 25% در گروه‌های بالاتر هستند.

ب) یافته‌های اصلی تحقیق

در این بخش یافته‌های اصلی که از مصاحبه عمیق با دگرباشان برگرفته شده است، خواهد آمد.

1. افشای هویت و پذیرش گرایش جنسی

بعد از کشف گرایش جنسی، آنچه مهم تلقی می‌شود واکنش فرد و نحوه ادغام و پذیرش این



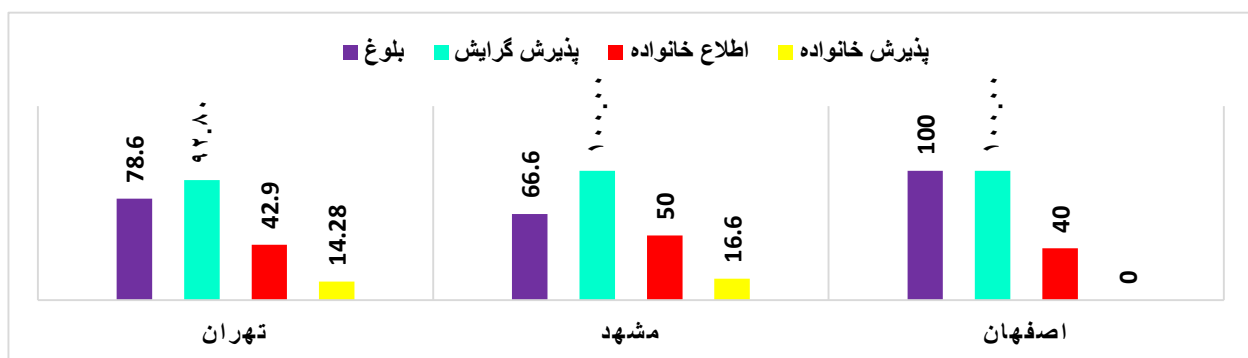
واقعیت است. براساس مدل فاسینجر از تشکیل هویت لژیین / گی، همجنسگرایان هویت خود را براساس دو سطح فردی و گروهی در چهار مرحله تشکیل می‌دهند: 1. آگاهی، 2.

اکتشاف، 3. درونی‌سازی، و 4. سنتز¹. این چهار مرحله یک فرایند خطی قابل‌پیش‌بینی نیستند، بلکه مجموعه‌ای از چهار مرحله رایج‌اند که می‌توانند با هر ترتیبی پیش بیایند. با این حال، تقریباً همه همجنسگرایان این چهار مرحله را با برخی تفاوت‌های فردی از سر می‌گذرانند.

از زمانی که فرد دگرباش به هویت جنسی خود پی می‌برد تا وقتی که به مرحله پذیرش می‌رسد، ممکن است اوج‌وفرودهای بسیاری را تجربه کند. بسیاری از این افراد در مصاحبه‌ها نمی‌توانستند دقیقاً بگویند که چه زمانی به گرایش جنسی خود پی بردند. این امر ممکن است به سبب احساس آزاردهنده مستمر تفاوت با دیگران باشد، چراکه قطعاً آنها از زمان کودکی به افراد همجنس خود تمایل داشته‌اند. برای بسیاری از افراد این مشخص بارز نوجوانی و همه تغییرات هورمونی و فیزیولوژیک و بلوغ جنسی همراه آن بود. بسیاری از افراد با این کشف که به همجنس خود کشش دارند، در سکوت کنار آمدند و از طریق انکار و تقلا سعی در تغییر گرایش جنسی خود داشتند. بسیاری نیز می‌دانستند که نشانه‌های یک بزرگسال دگرجنسگرا و علاقه به جنس مخالف در آنها وجود ندارد.

در مدرسه، ما دو گروه بودیم؛ کسانی که واقعاً دگرباش بودن و اونایی که تظاهر به دگرباشی می‌کردن.

لژیین 19ساله از اصفهان



نمودار شماره 6: پذیرش گرایش جنسی دگرباشان

نمودار شماره 6 درصد همجنسگرایانی را نشان می‌دهد که در طول دوران بلوغ به گرایش جنسی خود پی برده بودند و آن را به عنوان هویت جنسی خود پذیرفته بودند. همچنین نشان می‌دهد که خانواده‌ها در سه شهر تهران و مشهد و اصفهان از همجنسگرایی این افراد مطلع شده‌اند و آن را پذیرفته‌اند. در تهران 78.6٪، در مشهد 66.6٪ و در اصفهان 100٪ پاسخ‌دهندگان اذعان کردند که از گرایش جنسی خود در طی بلوغ آگاه شدند. از جهت پذیرش گرایش جنسی خود، 92.8٪ پاسخ‌دهندگان در تهران و 100٪ آنها در مشهد و اصفهان بیان داشتند که همجنسگرایی را به عنوان گرایش جنسی خود قبول کرده‌اند. براساس نمودار بالا، در تهران 42.9٪، در مشهد 50٪ و در اصفهان 40٪ از مصاحبه‌شوندگان عنوان

1 Fassinger, Ruth E. (1998). Lesbian, Gay, and Bisexual Identity and Student Development Theory. *Working with lesbian, gay, bisexual, and transgender college students: A handbook for faculty and administrators*, 13-.

کردند که خانواده‌های آنها از گرایش جنسی‌شان مطلع‌اند و 14.28% خانواده‌ها در تهران و 16.6% آنها در اصفهان هویت جنسی فرزند خود را پذیرفته بودند. برقراری ارتباط با والدین از سوی بیشتر پاسخ‌دهندگان به‌عنوان یک مشکل جدی مطرح شد. همان‌گونه که در نمودار مشخص است، بین 40% تا 50% افراد از مطلع ساختن والدینشان از گرایش جنسی خود صحبت کردند. با این حال، میزان پذیرش نسبتاً پایین و بین 14% تا 16% در تهران و مشهد بود و در اصفهان این رقم تقریباً صفر بود. البته بیشتر خانواده‌های ایرانی از نظر اجتماعی محافظه‌کارند و به‌سختی به این باور وفادارند. آنها حتی اگر از گرایش فرزند خود باخبر باشند، همیشه از آنها می‌خواهند تا این بخش هویت خود را با اعضای دیگر خانواده و افراد اجتماع در میان نگذارند.

2. ریشه‌های گرایش جنس

دو نظریه اصلی درباره علل گرایش به همجنس وجود دارد؛ یکی اینکه گرایش به همجنس اساساً تحت تأثیر عوامل ژنتیکی و بیولوژیک است و همجنسگرایی را گرایشی مادرزادی می‌دانند. به معنی ساده بر این اساس، افراد «گی» به دنیا می‌آیند. نظریه دیگر می‌گوید که تمایلات همجنس‌گرایانه اساساً در نتیجه تأثیرات روانی و محیطی و تجربیات اولیه به وجود می‌آیند. در نهایت، احتمالاً چند عامل وجود دارد که در کنار هم می‌آیند و سبب همجنسگرایی می‌شوند. تحلیل مصاحبه‌ها نشان داد که برخی اقلیت‌های جنسی گرایش جنسی خود را تنها احساسی می‌دانند که با آن به دنیا آمده‌اند. اگر این‌طور باشد، این توضیحات بر این نظریه صحت می‌گذارد که عوامل ژنتیکی و بیولوژیک در کارند. بسیاری همجنسگرایی خود را پدیده‌ای طبیعی در پارامترهای گرایش‌های جنسی می‌دانستند.

مادرم تعریف می‌کنه که از بچگی می‌خواستم پسر باشم. حتی برای من هم عجیبه. به اونا می‌گفتم من رو فرهاد صدا کنید. پیرهن نمی‌پوشیدم. معمولاً دخترها تصویری از روز عروسی و این جور چیزا دارن، اون موقع فکر می‌کردم با یه دختر عروسی می‌کنم. دوستای دخترم رو دوست داشتم؛ عاشق دختر همسایه شدم. بعدها عاشق دختر عموم شدم. چون هنجارهای اجتماعی به تو می‌گند که دگر جنسگرایی عادیه، فکر می‌کردم پس همینه. فکر می‌کردم کار درست ازدواج با یه مرده.

دوجنس‌گرای 28 ساله از تهران

3. چگونگی شروع روابط همجنس‌گرایانه

اولین رابطه جنسی معمولاً در مقطع متوسطه اتفاق می‌افتد، هرچند در برخی موارد نادر، در مقطع ابتدایی هم دیده شده است. چنین روابطی رفته‌رفته به تعاملات جنسی جدی‌تر می‌انجامند. در سن نوجوانی، افراد هنوز معصومیت کودکی خود را دارند. آگاهی از گرایش جنسی خود حدوداً در دوران بلوغ تبلور می‌یابد و این همان وقتی است که هورمون‌ها شروع به فعالیت می‌کنند. تغییرات هورمونی که هم‌زمان با دوران بلوغ آغاز می‌شود، سبب احساسات شدید و میل و برانگیختگی جنسی می‌شود.

در میان شرکت‌کنندگان در این مطالعه در تهران، بیشتر افراد دانشجویان یا شاغلان جوان بودند و برخی از آنها اصالتاً تهرانی نبودند. سبک زندگی مستقل آنها به‌گونه‌ای آنها را از چشمان کنج‌کاو خانواده دور نگه داشته بود و دغدغه‌ها و فشارهای اقتصادی همزیستی را گزینه بهتری برای آنها ساخته است. همچنین در جامعه نیمه‌سنتی جوان دانشگاهی، فضای اقامتی مشترک عادی و قابل قبول است. بنابراین درحالی‌که دو فرد از دو جنس مخالف از نظر قانون و عرف به همزیستی تشویق نمی‌شوند، همزیستی دو مرد یا دو زن با پنهان کردن تمایلات جنسی، امری ناهنجار تلقی نمی‌شود. برخی افراد این امکان را دارند که زندگی‌های موازی را به‌دور از چشم دوستان و اقوام پیش ببرند. جنبه‌های جنسی و عاطفی روابط اقلیت‌های جنسی بخش حیاتی مهمی از نظراتی بود که افراد حاضر به افشای آن بودند.

در دوره دانشگاه تجربه سختی پیش اومد که همه زندگی من رو عوض کرد. کسی در دانشگاه بود و ما خیلی به هم علاقه‌مند بودیم. من به اون ابراز علاقه کردم و اون هم ظاهراً مشکلی نداشت. اما اون دگرجنس‌گرا بود. به هر حال ما دو سال در رابطه بودیم که یک سال و نیم اون برای من خیلی سخت بود. به اون وابسته شده بودم. زندگی من از دست رفت. استودیویی داشتم که در اون آواز می‌خوندم. همه‌چی رو کنار گذاشتم. دست از شعر گفتن کشیدم و شروع کردم به خوردن مشروب، بیشتر به این دلیل که رابطه اشتباهی رو شروع کرده بودم.

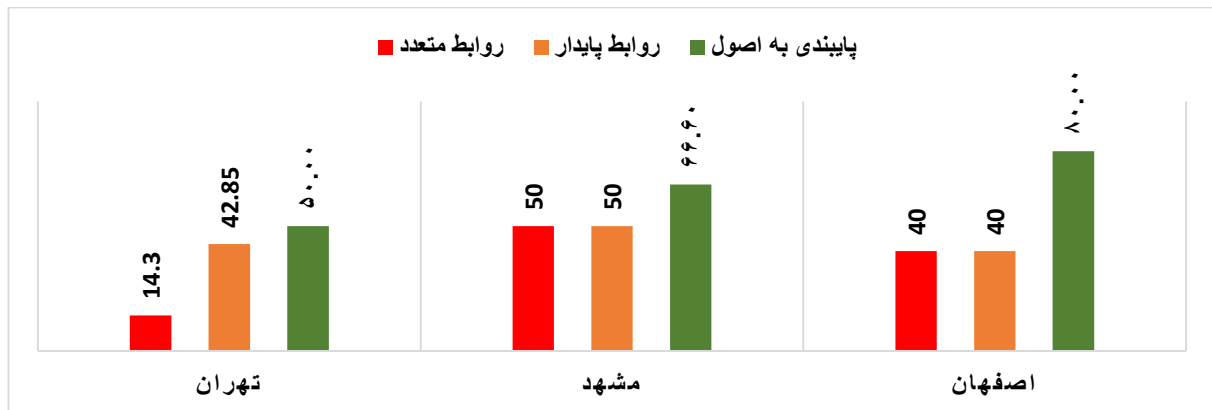
گی 26 ساله از مشهد

در این مطالعه، مشخص شد که نوع تجربیات عاطفی و جنسی افراد در سه شهر مورد هدف به‌نوعی به بافتار جنسی شهر بستگی دارد و تفاوت‌های موجود به فرهنگ خاص حاکم بر هر ناحیه بازمی‌گردد. دگرباشان در تهران در قیاس با دگرباشان اصفهان و مشهد از آزادی بیشتری برای قرار ملاقات در پارک یا دسترسی به برخی پاتوق‌ها و مهمانی‌های آخر هفته (به نام **Life**) برخوردارند که می‌توانند یکدیگر را ببینند یا باهم قرار بگذارند. درست است که این اندک مکان‌های نسبتاً امن اجازه نمایش سریع عواطف را به این افراد می‌دهند، اما ترس از مقامات همواره در آنها وجود دارد و همچنان با خطر تهدید می‌شوند¹.

باتوجه به ماهیت تابوی این موضوع، که در ایدئولوژی مذهبی و ناآگاهی جامعه از وجود دگرباشان پنهان شده است، مکان‌یابی افراد مشتاق برای شرکت در این مطالعه پژوهشی خطرناک بود. یکی از دلایل بروز این مشکل سطح بالای بی‌اعتمادی بود. این بی‌اعتمادی از یک طرف، آنها را در انتخاب شریک جنسی و سواسی می‌کند و از طرف دیگر، به‌طرزی اجتناب‌ناپذیر طول عمر رابطه آنها را کاهش می‌دهد. باتوجه به عمر کوتاه رابطه‌ها، یافته‌های تحقیق نشان دادند که مصاحبه‌شوندگان از سختی‌های بسیار پیدا کردن شریک صحبت می‌کردند. چالش یافتن شریکی ماندگار به‌شدت بر دوش گی‌های ایرانی سنگینی

1. What it's like to be gay in Iran, Sune Engel Rasmussen, from theweek.com/articles/532005/what-like-gay-iran.

می‌کند. در برخی موارد، آنها با دوستان شریک خود رابطه‌ای را شروع کرده بودند و پس از یک دوره کوتاه رابطه جنسی، رابطه پایان یافته بود.



نمودار شماره 7: روابط دگرباشان

نمودار شماره 7 شیوع روابط مشخص، پایدار یا متعدد را در میان دگرباشان در تهران، مشهد، و اصفهان نشان می‌دهد. براساس این نمودار، 14.3% همجنسگرایان در تهران، 50% آنها در مشهد، و 40% آنها در اصفهان روابط جنسی نامشخص متعدد دارند، اما 42.85% آنها در تهران، 50% آنها در مشهد، و 40% آنها در اصفهان هم روابط پایداری دارند. همچنین 50% آنها در تهران، 66.6% آنها در مشهد، و 80% در اصفهان به برخی اصول در روابط خود پایبندند.

4. تأثیر همجنسگرایی بر خانواده

نقش خانواده همواره به فشاری بستگی دارد که دانسته یا ندانسته بر هریک از اعضای خانواده به سبب نقش‌های فرضی، وضعیت اجتماعی، روانی، و سیاسی نقش‌های مفروض وارد می‌شود. همجنسگرایی در درون خانواده یک معضل محسوب می‌شود، زیرا زندگی اجتماعی اغلب در قالب آن تجربیات اجتماعی ساخته می‌شود که دارای ویژگی‌های مردانه است. گرایش جنسی خارج از دوگانه مردانه - زنانه استمرار یک رابطه زنانه - مردانه پدرسالار و سرکوبگر را مختل می‌کند. هر نشانه‌ای از گی بودن می‌تواند اثری جدی بر خانواده‌هایی داشته باشد که به شدت با پذیرش همجنسگرایی فرزند خود مشکل دارند. این مشکلات خاص ایران نیست. هر سال، هزاران نوجوان دگرباش آمریکایی که هویت جنسی خود را افشا کرده‌اند، از خانه بیرون رانده می‌شوند و یک‌چهارم بی‌خانمان‌های انگلستان دگرباش‌اند.

اظهارات افراد در طول تحقیق نشان از دردی داشت که آنها در زمان پی بردن به تمایلات متفاوت خود و تصمیم برای پنهان کردن این تمایلات تجربه کرده بودند. شرکت‌کنندگان به برخوردهایی در خانواده اشاره کردند که دردناک‌ترین تجربه زندگی آنها و چالشی عظیم بود. در اجتماعات و گروه‌های خانوادگی، همجنسگرایی پدیده‌ای دانسته می‌شود که سبب شرمساری فرد و خانواده می‌شود و عواقب وخیمی برای همه اعضای خانواده و دوستان

به همراه دارد. یکی از رایج‌ترین عواقب اجتماعی و اقتصادی این است که اعضای مؤنث به دلیل نبود خواستگاران مشتاق نمی‌توانند ازدواج کنند و اعضای مذکر ممکن است از کار اخراج شوند و کلّ جایگاه اجتماعی خانواده زیر سؤال برود. در موارد دیگر، فرد همجنس‌گرا - برخلاف کشش آشکار به فرد همجنس - تسلیم رابطه‌ای پیچیده با فردی از جنس مخالف می‌شود تا فقط خانواده و دوستان را آرام کند. رنج و نارضایتی حاصل از ازدواج اجباری ضربه دیگری است که بر هویت شکننده فرد وارد می‌شود و لایه دیگری از آسیب روانی را به زخم عمیق این افراد اضافه می‌کند. در مورد اقلیت‌های جنسی لزبین، شدت واکنش‌های خانواده و جامعه سبب شده است تا جایگاه از پیش نابرابری فشارهای وارده روانی، جسمی، و جنسی بر آنها را چند برابر کند.

می‌دونی، دوست نداشتم چنین تمایلاتی می‌داشتم و به همین خاطره که فکر کردم با کسی از جنس مخالف ازدواج کنم. فکر کردم شاید این کار تمایلاتم رو کم کنه. اوایل بد نبود، ولی بعد فهمیدم واقعاً نمی‌تونم.

گی 35 ساله از تهران

اگر دوباره به دنیا می‌اومدم، دوست نداشتم همجنس‌باز می‌شدم. تا اینجا هر کاری که می‌شد، کردم؛ با خانه‌های امن تماس گرفتم تا من رو راه بدن و اونا شروع کردن به سخنرانی. به من گفتن احتمالاً دختر خوبی نیستی. دختر خوبی باش تا کتک نخوری. دوجنس‌گرای 27 ساله از مشهد

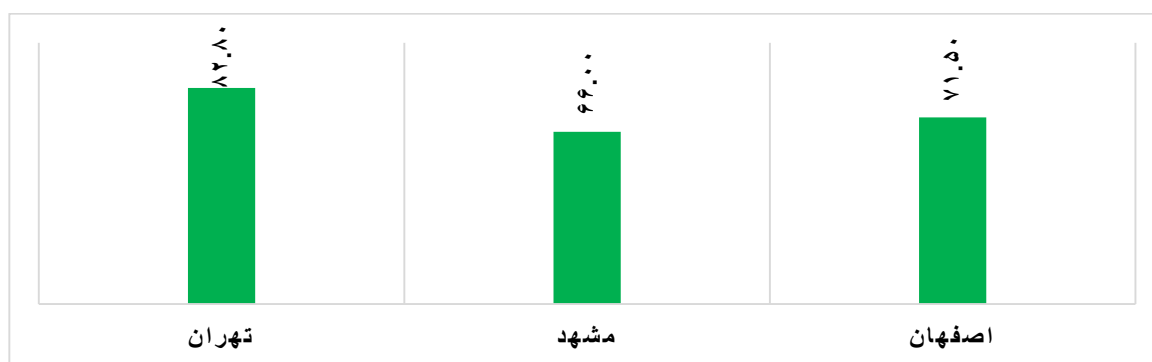
5. تأثیر مذهب و باورهای مذهبی

در حالی که رویکردها در مورد اجتماع دگرباشان در سراسر جهان اخیراً همراه با مدارای بیشتر بوده است، ایران همچنان یکی از کشورهایایی است که در مقابل این تغییر مقاومت می‌کند. در برخی نواحی ایران، حتی همجنس‌گرایی به عنوان موضوع گفت‌وگو رد می‌شود و در نتیجه، گروه‌های حمایت‌یابی دگرباشان تشکیل نشده است و سبب ایجاد تغییری نیز سبب نمی‌شود. زیرساخت مذهبی در ایران «ابرساختار» حقوقی و سیاسی‌ای را ساخته است که بر اساس فقه سنتی شیعه تعریف می‌شود. هرچه خانواده‌ای مذهبی‌تر و متعصب‌تر باشد، فشار بیشتری بر فرد وارد می‌کند و باتوجه به جایگاه اجتماعی و بیولوژیک اقلیت‌های جنسی، مذهب اهرم فشار قدرتمندتری برای کنترل جنسی فراهم می‌کند. تفسیرهای زیادی در گفتمان حاضر وجود دارد که آیا گی بودن در اسلام پذیرفته شده است یا نه و بسیاری در تلاش‌اند تا معنویت و تمایل جنسی خود را همسو سازند. آن دسته از گی‌های مسلمان که تمایل جنسی خود را به عنوان عملی غیراخلاقی یا غلط مفهوم‌سازی می‌کنند، همواره در تقلاي عزت‌نفس هستند. برای افراد دگرباش، شروع شناخت گرایش جنسی با یک ناامیدی معنوی و مذهبی اگزستانسیال سرکوب می‌شود. بسیاری شکی ندارند که همجنس‌گراهراسی با قدرت در فرهنگ ایرانی باقی می‌ماند. حس درونی‌سازی شده مذهب که هسته وجود فرد است، مفاهیم اجتماعی و مذهبی زنانه و مردانه، و رابطه با غیر همجنس به عنوان تنها رابطه اجتماعی پذیرفته شده در چهارچوب اسلامی سبب می‌شود تا فرد

احساسات طبیعی خود را از منشور محکومیت صرف همجنسگرایی و ساختاری مذهبی مورد قضاوت قرار دهد.

در این راستا، بیشتر پاسخ‌دهندگان حامی تفسیرهای اخلاق‌محورتر متون مذهبی بودند که تکثر را گرامی می‌دارند و برای تفاوت بین مخلوقات خداوند ارزش قائل‌اند و در برابر تفسیرهای غالب از قرآن – که متفکران برای محکوم کردن همجنسگرایی به آنها متوسل می‌شوند – مقاومت می‌کردند. مسلمانان به داستان لوط در قرآن متوسل می‌شوند (مانند داستان لات در انجیل) تا بگویند که اسلام مردانی را که به مردان دیگر عشق می‌ورزند، محکوم می‌کند. گی‌های مسلمان زیادی تفسیر متفاوتی از این داستان دارند و معتقدند این داستان خشونت را محکوم می‌کند و نه عمل جنسی خاص را¹.

من کاری برای اینکه خدا رو تحت تأثیر قرار بدم، نمی‌کنم. نه نماز می‌خونم، نه قرآن. روزه هم نمی‌گیرم. به خدا قسم می‌خورم و سکس مقعدی دارم. دوجنس‌گرای 28 ساله از تهران



نمودار شماره 8: پابندی به اخلاق در میان دگرباشان

نمودار شماره 8 نشان‌دهنده نظر جمعیت هدف درباره بُعد اخلاقی همجنسگرایی است. 82.8% در تهران، 66% در مشهد، و 71.5% در اصفهان باور داشتند که همجنسگرایی پدیده‌ای عادی و طبیعی است.

نیاز به مذهبی که گروه‌های دگرباشانی را به رسمیت بشناسد و بپذیرد که تمایل دارند سکولار باشند، در این مقطع از زمان دیده نمی‌شود. این امر سبب شده است که بسیاری از افراد راهی جدید به سوی نیروی متافیزیکی و ایدئولوژی‌های معنوی جایگزین در زندگی خود درپیش بگیرند تا اینکه بخواهند مذهب غالب و حاکم اسلام را دنبال کنند. این مفاهیم شامل انسانیت، باور به کرامت انسانی به عنوان مذهب واقعی یا تمایل به عرفان‌های تازه‌ای می‌شود که به سیالیت جنسی اعتقاد دارند.

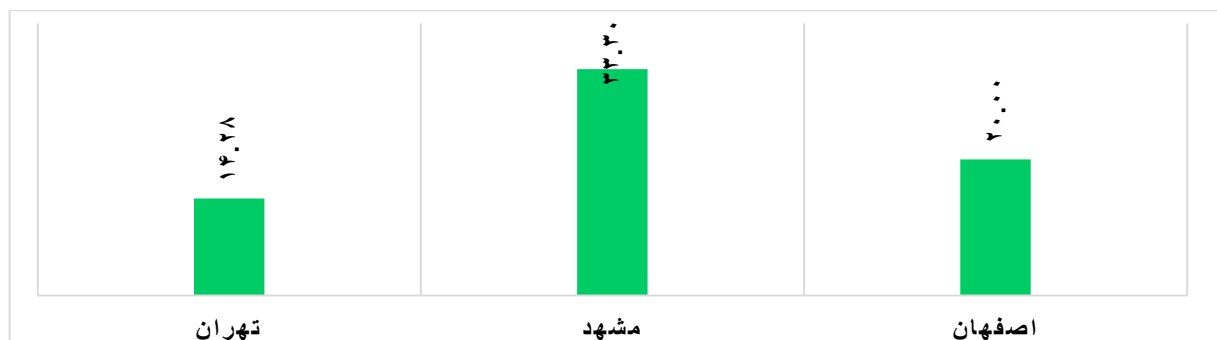
1. Muslim attitudes about LGBT are complex, far from universally. From www.usatoday.com/.../muslim-lgbt-gay-views/86046404.

به یاد دارم که تو کوچیکی با مادرو پدرم به مسجد می‌رفتم، اما بعد از این مسائل و مشکلات، در وهله اول حالت تدافعی نسبت به خدا پیدا کردم، چون واقعاً تحت فشار بودم. خدا می‌تونست من رو هم مثلاً افراد دیگه همجنس خلق کنه، می‌تونستم زندگی عادی داشته باشم، ازدواج کنم، بچه دار بشم. می‌تونستم راحت زندگی کنم. من هنوز هم همون احساس رو دارم. مسئله‌ای که ما با اون روبه‌رو هستیم، گاهی واقعاً باعث می‌شه باور هامون رو نادیده بگیریم، اما این مشکل سبب شد بسیاری از باور هام رو از دست بدم. دوست دارم روزی بمیرم و فقط از خدا بپرسم چرا. کسایی هستن که من با اونا در ارتباط هستم و برخی دیگه مثلاً من همین مشکل رو دارن. من واقعاً خسته شدم.

لژی بین 31 ساله از مشهد

ما محکوم هستیم. ما در کشوری مسلمان زندگی می‌کنیم، والدین ما مسلمان‌اند و طبیعتاً ما مسلمان هستیم. ما به خدا و روز قیامت باور داریم، اما این باور ضعیفه. اما من ایمان دارم. من خدا رو انکار نمی‌کنم. با این حال، رابطه دارم، سکس دارم و همیشه سعی کردم این دو بُعد رو از هم جدا کنم. برای من، دگرجنسگرا یا همجنسگرا بودن به خدا و مذهب و آخرت ربطی نداره. من اونا رو به هم مربوط نمی‌کنم. من فکر نمی‌کنم گناهی کردم. باورهای مذهبی من ضعیف‌اند، اما من این موضوع رو به راحتی پذیرفتم و مشکلی ندارم.

گی 23 ساله از اصفهان



نمودار شماره 9: میزان پابندی دینی پاسخگویان

نمودار شماره 9 نشان‌دهنده شیوع باورهای مذهبی در میان جمعیت هدف در تهران و مشهد و اصفهان است. براساس این نمودار، 14.28% همجنسگرایان در تهران، 33.3% آنها در مشهد، و 20% در اصفهان به مفاهیم مذهبی مانند خدا و آیین‌هایی مانند نماز و روزه اعتقاد دارند. این داده‌ها نشان می‌دهد که همجنسگرایان در مشهد باورهای مذهبی قوی‌تری دارند، چراکه پرورش و اجتماعی شدن در سایه مذهب در این شهر شایع‌تر است. از آنجاکه اصفهان و تهران جزو شهرهای مدرن‌ترند، باورهای مذهبی در آنها کمتر است.

6. تماس همجنسگرایان با قانون

دگرباشان در ایران مورد آزار و هجوم قرار می‌گیرند. قوانین علیه آنها است. آنها در برابر آزارها، سوءاستفاده‌ها، خشونت خانوادها و جامعه آسیب‌پذیرند. رابطه‌ای ابدی و جدایی‌ناپذیر بین مذهب و هنجارهای جنسی در ایران و نظام حقوقی و قوانین آن وجود دارد و افرادی که مذهب و هنجارهای جنسی را رعایت نمی‌کنند، مجازات می‌شوند. این

مجازات‌های قانونی از طرف دولت، سیستم قضایی و بازیگران غیردولتی مانند مدارس، اجتماعات و خانواده‌ها اعمال می‌شود. قوانین ایران در قبال تبعیض یا آزار این گروه به دلیل گرایش جنسی یا هویت جنسیتی خاص آنها از آنان حمایت نمی‌کند. افراد دگرباش از این حق قانونی محروم‌اند.

در قانون جزای ایران - که به تفصیل در بخش‌های قبلی مورد بحث قرار گرفت - خلأ غیرقابل‌انکاری بین مصوبات جزایی و واقعیت‌های اجرایی آن وجود دارد. مطالعات اخیر نشان می‌دهد که مجازات‌ها برای رابطه همجنس‌گرایانه، بچه‌بازی و لزبین بودن ترکیبی است از مجازات‌های بدنی، مانند شلاق، و در صورت تکرار عمل و وجود شواهد و مدارک، فرد همجنس‌گرا به مجازات مرگ یا سنگسار محکوم می‌شود، هرچند سال‌ها است که چنین حکمی صادر نشده است و به نظر می‌رسد سیستم قضایی و پلیس اجتماع دگرباشان را تاجایی که تجمعی علنی نداشته باشند و نامرئی باقی بمانند، تحمل می‌کند.

وقتی از اقلیت‌های جنسی درباره اطلاعات حقوقی آنها پرسیده شد، بسیاری درباره جزئیات اجرای قوانین سردرگم بودند، هرچند برخی شرکت‌کنندگان از کلماتی مانند اعدام یا سنگسار و شلاق استفاده کردند. آن‌گونه که مشاهده شد، درحالی که بسیاری از اقلیت‌های جنسی مشارکت‌کننده احساس می‌کردند که تحت کنترل‌اند، حسی از بی‌اعتنایی نیز دیده می‌شد، چون اخیراً هیچ موردی از اعدام و سنگسار گزارش نشده است و بسیاری احتمال چنین مجازات‌هایی را بسیار پایین می‌دانستند. احاطه شدن در یک دایره امن سبب شده است تا بسیاری از این افراد در یک حالت تدافعی زندگی کنند و این موضوع به اشتباه سبب می‌شود بسیاری تصور کنند که در فضای خصوصی خود امنیت دارند و می‌توانند رابطه جنسی خود را محرمانه نگه دارند. باوجود اینکه در سطح فردی، نگرانی‌هایی در مورد قوانین وجود دارد، بسیاری از این افراد خود را در گروه کوچک اجتماعی‌ای جا داده‌اند که تنها بر پنهان ماندن و عضو نامرئی جامعه بودن تأکید دارد. عجیب اینکه هرچند ترس دستگیری از سوی پلیس یا مجازات اعدام همچنان وجود دارد، این ترس تحت‌الشعاع نگرانی‌های آنها از بی‌آبرویی خانواده یا افشای هویت جنسی آنها که سال‌ها با دقت آن را مخفی نگه داشته بودند، قرار می‌گیرد.

حالا گروه‌هام [گروه دگرباشان در تلگرام] رو پاک می‌کنم و فردا دوباره تو گروه‌ها می‌گردم تا چیزی بهتر پیدا کنم. گروه‌هام رو پاک می‌کنم، تلفنم رو خاموش می‌کنم. فکر کنم تا حالا 20 تا سیم‌کارت خریدم و همه رو سوزاندم. به خودم می‌گم ولش کن، دیگه این کار رو نکن. قرآن باز می‌کنم. فردا دوباره دنبال گروه‌ها می‌گردم. دوباره دنبال مورد مناسب می‌گردم. فکر کنم تا الآن ده تا باطری موبایل عوض کردم. من از صبح تا شب توی گوشی می‌گردم. مادرم می‌گه اگر به خدا دعا کنی، شاید برگردی. شاید کاری پیدا کنی، سر کار بری.

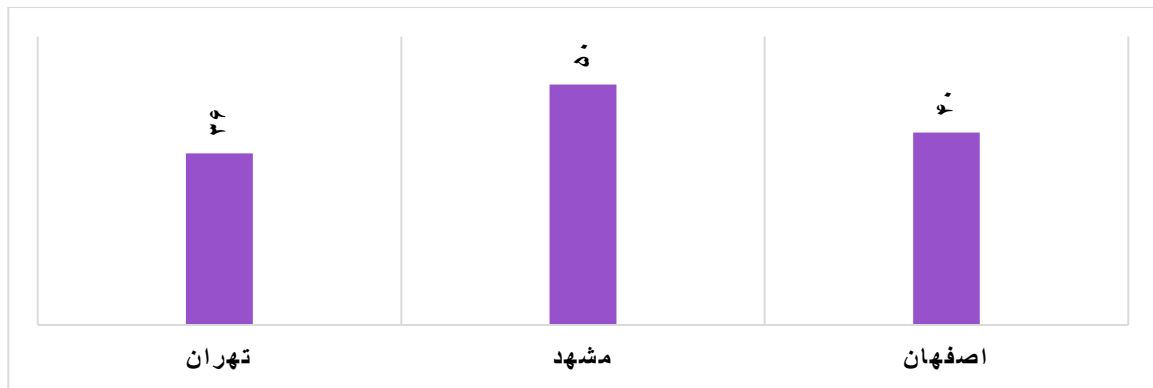
لزبین 27 ساله از تهران

باتوجه به مسائل بالا، می‌توان تصویر روشن‌تری از تأثیر قانون بر زندگی فرد داشت. شواهدی وجود دارند مبنی بر اینکه اقدامات پلیس تنها علیه تجمع اقلیت‌های جنسی در اماکن عمومی مانند پارک‌ها و کافه‌های مرکز شهر است، جاهایی که توجه پلیس به جمعیت‌های بزرگ جلب می‌شود. این پارک‌ها پاتوق‌های شناخته‌شده اجتماع دگرباشان هستند. در طی

مصاحبه‌ها، شرکت‌کنندگان ابراز کردند که سطح معاشرت آنها به ملاقات در اماکن شناخته‌شده عمومی مانند پارک‌هایی خاص در شهرهای بزرگی مثل تهران، مشهد و اصفهان تقلیل یافته است. این نوع پاسخ امنیتی روش کلاسیکی است برای برقراری یک فضای معتدل و رادیکال سنت‌گرا و کنترل اجتماعات انسانی در مقاطع مختلف به‌دلایلی همچون علاقه اجتماعی یا نظارت بر تعاملات. این پاسخ پاسخی به پیچیدگی و درهم‌تنیدگی جدید و قدیم از طریق پرداختن به تهدیدات است، اما هدف اصلی دستگیری یا اعمال مجازات نیست، بلکه ظاهراً متفرق کردن جمعیت‌های بزرگ در اماکن عمومی شناخته‌شده به‌دلایل امنیتی است. متفرق ساختن گروه‌های همجنس‌گرا و جلوگیری از تجمع آنها در اماکن عمومی در مناسبت‌هایی مانند تولد، تفریح، سالگرد مثلاً تأسیس کانال تلگرامی و موارد دیگر نشانگر آن است که جامعه ایرانی برای پنهان کردن اقلیت‌های جنسی تا کجا پیش می‌رود. این اقدامات برای آرام کردن اکثریتی انجام می‌شود که از همجنس‌گرایی می‌ترسد و از آن منزجر است. این تحقیق شاهد تهدید پلیس امنیت بود. پلیس و نیروهای گشت ارشاد چندین بار کار میدانی را متوقف کردند و سبب شدند شرکت‌کنندگان به سرعت متفرق شوند تا شناسایی نشوند. لازم به ذکر است که روش کار در شهرهای تهران، مشهد و اصفهان باهم متفاوت بود و حتی این تفاوت در ناحیه‌های مختلف یک شهر نیز وجود داشت. علاوه بر مشکل تأمین امنیت شرکت‌کنندگانی که مایل به مصاحبه بودند، این روش برخورد پلیس و حمله آنان و فرار مصاحبه‌شوندگان سبب شد کار مصاحبه با دخالت پلیس دشوارتر شود. در طی مصاحبه، مردی گی از مشهد احساسش را این‌گونه بیان کرد:

اجتماعات اقلیت‌های جنسی آسیب‌پذیری فعلی رو بر اساس بافتار و نوعشان برمی‌انگیزند. جمع شدن برای جشن تولد یا سالگرد در صورت حضور افراد تراجنسیتی یا کسانی با آرایش و پوشش خاص، باعث واکنش‌های مختلف پلیس می‌شه. مخصوصاً در تهران و مکانهای دیگر و شنیدم که اتفاقات خوبی برای همجنس‌گرایان افتاده، مثلاً مهمونی یا چیزای دیگه. اما مشهد و هردو شهرها محلّ حرم شخصیت‌های مهم مذهبی‌اند و به همین دلیل، وحشتناک هستن. اصلاً نمی‌دونم چرا.

همان‌گونه که پیش‌بینی می‌شود، ما متوجه شدیم که حس اعتماد در اقلیت‌های جنسی به‌دلیل تجارب دردآور از دستگیری توسط پلیس و حمله به مهمانی‌ها یا اماکن عمومی از بین رفته است.



نمودار شماره 10: میزان افسردگی و خودکشی پاسخ‌دهندگان

نمودار شماره 10 نشان‌دهنده افسردگی و خودکشی در میان همجنسگرایان در شهرهای تهران، مشهد، و اصفهان است. تهران با 35.7٪، اصفهان با 40٪، و مشهد با 50٪ موارد خودکشی را نشان می‌دهند. این ارقام بیانگر آن است که به‌دلیل رواج ارزش‌های سنتی و فشارها در مشهد و در نتیجه، نرخ بالاتر خشونت و تبعیض، موارد خودکشی در میان همجنسگرایان این شهر بیشتر است.

مجموع مشکلات مزمنی که بیشتر اقلیت‌های جنسی روزانه تجربه می‌کنند، همچون تمسخر در خانه، مدرسه و محیط کار و حتی در خیابان، خطر بالای دستگیری، بهره‌کشی، زورگویی، و آزار جنسی به شرایط ناعادلانه و غیرانسانی و غیرقابل تحمل زندگی منجر می‌شود. بسیاری از این افراد با سرکوب اجتماعی و حاکمیتی زندگی می‌کنند. وقتی چنین شرایطی ثابت باقی می‌ماند، راه برای آسیب‌های اجتماعی بیشتر مانند اچ‌آی‌وی، خشونت، اختلال روانی، افسردگی، و خودکشی بیشتر باز می‌شود. واکنش‌های خشن و توهین‌آمیزی که در خیابان و اماکن عمومی دیده می‌شود در اجتماع آنها، جایی که جنسیت مورد قضاوت قرار می‌گیرد و با انزجار و تنفر دیده می‌شود، نیز نمود پیدا می‌کند¹. این واکنش‌ها در محیط کار که افراد بخش قابل‌توجهی از وقت خود را در آنجا می‌گذرانند نیز دیده می‌شود. این تنها مختص ایران نیست. در کل، در سراسر جهان، دگرباشان با تبعیضی گسترده در محیط کار روبه‌رو هستند و بار دیگر مشخص می‌شود که ایران استثنا نیست. موانع پیش‌روی دگرباشان برای دسترسی به مراقبت‌های بهداشتی به‌همراه خشونت و مسائل مربوط به سلامت روان که این جماعت با همجنسگراهراسی تجربه می‌کنند، می‌تواند تعداد سال‌هایی که دگرباشان قادر به کارند را کوتاه کند.

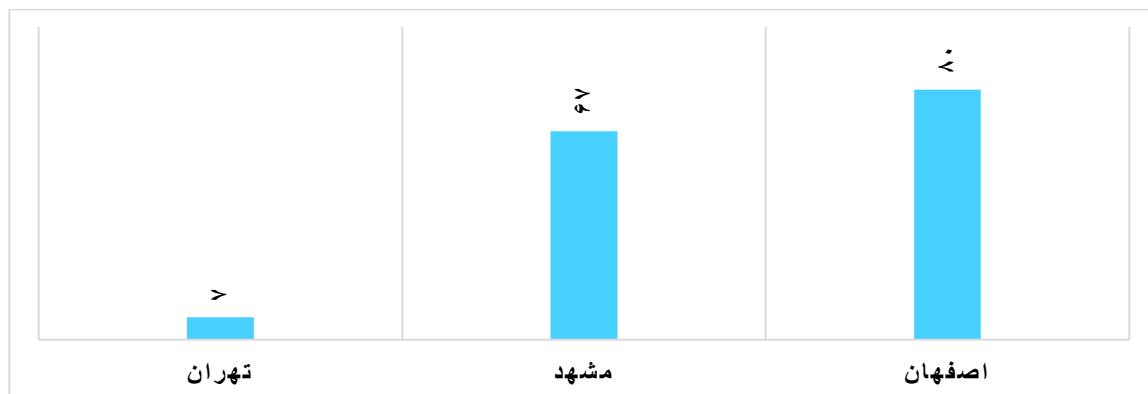
فکر می‌کنم آخرش هر زنی باید به مردی تکیه کند. حتی در روابط لزبینا، کسی که نقش شریک قوی‌تر رو بازی می‌کند، همچنان به کسی قوی‌تر از خودش نیاز دارد تا به اون تکیه کند.

لزبین 18 ساله از اصفهان

در ایران، اقلیت‌های جنسی نمی‌توانند از حقوق مدنی و قانونی خود بهره‌مند شوند و نمی‌توانند در جریان یک رابطه ناسالم خشونت‌آمیز از خود دفاع کنند. درواقع، به‌شکل گسترده و نظام‌مندی، دگرباشان از هرگونه حق حمایت قانونی محرومند. از آنجاکه قوانین

1. Gay and Transgender People Face High Rates of Workplace. From www.americanprogress.org/issues/lgbt/news/2011/.

در ایران همین حالا نیز رابطه آنها را در تقابل مطلق با هنجارهای مذهبی و نوعی نافرمانی می‌بینند، اقلیت‌های جنسی - که ترس از افشای هویت خود دارند - رابطه راحتی با این نظام حقوقی، پلیس و نیروهای انتظامی ندارند.



نمودار شماره 11: میزان خشونت و تبعیض علیه دگرباشان

نمودار شماره 11 درصد خشونت، تبعیض و تحقیر تحمل شده به همجنسگرایان در شهرهای تهران و مشهد و اصفهان را نشان می‌دهد. براساس این نمودار، بیشترین خشونت و تبعیض در اصفهان (80%) و سپس در مشهد (66.6%) و تهران (7.1%) رخ می‌دهد. در قیاس با تهران، مشهد و اصفهان سنتی‌تر و مذهبی‌تر هستند. بنابراین در این شهرها همجنسگرایی را انحراف و ناهنجاری می‌دانند و جای تعجب نیست که نرخ بالایی از خشونت علیه همجنسگرایان در این دو شهر مشاهده می‌شود.

8. خدمات مشاوره و کمک‌های دیگر

وقتی کسی نزد یک روانپزشک می‌رود، معمولاً آسیبی روانی در کار است. وقتی یک دگرباش به سراغ روانپزشک می‌رود تا موضوعی را درباره گرایش جنسی خود مطرح کند، معمولاً به دنبال درمان یا تغییر نیست، بلکه در تلاش برای رویاروی با تمایل جنسی خود و به دنبال یک نوع آشتی است. روانپزشکان بسیاری با راحل‌های «منفی» به این موضوع پاسخ داده‌اند. برای مثال، روانشناسی رابطه با فردی از جنس مخالف را با هدف تغییر گرایش جنسی فرد پیشنهاد می‌دهد. این راحل‌ها نهایتاً سبب می‌شود تا شرکت‌کنندگان به روابط پیچیده‌تری وارد شوند که برای آنان برانگیختگی جنسی و غم را در پی خواهد داشت و به احساس از دست رفتن هویت منجر می‌شود¹. با وجود اجماع کلی بر این موضوع که همجنسگرایی بیماری روانی نیست، روانپزشکان «کارکشته‌ای» در ایران وجود دارند که همجنسگرایی را بیماری می‌دانند و سعی می‌کنند فرد را درون چهارچوب تعریف شده نقش‌های جنسی قرار دهند.

اقلیت‌های جنسی به نقش مشاوران و روانپزشکان بی‌اعتمادند و نسبت به آنها نگرشی منفی دارند. احتیاط و محافظه‌کاری مستمری که همواره در همه زندگی با دگرباشان همراه است، حتی در حضور یک مددکار اجتماعی یا روانکاو هم ادامه می‌یابد. بی‌اعتمادی به فرد اجازه

1. History of Treatment / The Medical Treatment of Homosexuality. (1996). edited by Cabaj & Stein, American Psychiatric Association.

نمی‌دهد تا سپر خود را زمین بگذارد و مشکلات خود را بازگو کند. او از درخواست حمایت یا مشاوره و توصیه‌ای مفید عاجز است.

برخی افراد هنگامی که استطاعت پرداخت مشاوره‌های خصوصی را ندارند، روانشناسان دولتی را انتخاب می‌کنند. این افراد به روانشناسانی از سازمان بهزیستی به‌عنوان بیمار معرفی می‌شوند تا از جلسات مشاوره رایگان بهره‌مند شوند. در این جلسات، کارشناسان راهبردها و راهحل‌های محدودی برای درمان «بیماران همجنسگرا» دارند. این روانشناسان عمدتاً کارمند دولت‌اند و از آنجاکه همجنسگرایی جایی در قوانین ایران ندارد، مشاوره با یک روانشناس دولتی قابل‌درک نیست. درواقع، روانشناسی که حتی پذیرش گرایش جنسی خود را به‌عنوان یک رخداد طبیعی در طیف جنسی پیشنهاد می‌کند، اساساً موضعی علیه اصول تعریف‌شده از سوی کارفرمای خود، یعنی دولت، می‌گیرد. این امر حتی ممکن است به لغو پروانه کار روانشناس منتهی شود.

گروه دوم افرادی معمولاً از خانواده‌های متمول‌اند که می‌توانند از لحاظ مالی به روانشناسان خصوصی مراجعه کنند که در مراکز شهری مطب خصوصی دارند و هیچ نوع وابستگی به دولت ندارند. این روانشناسان درک نسبتاً بهتری از مسائل هویت جنسی دارند و شاید کمتر نگران اتولوژی و تمرکز بر درمان همجنسگرایی باشند. بنابراین آنها می‌توانند با قدرت و اختیار بیشتری مشاوره بدهند.

9. واکنش‌های راهبردی

در پاسخ به سرکوب‌ها و محدودیت‌های تجربه‌شده، اقلیت‌های جنسی همواره منفعل و مطیع بوده‌اند و گاه واکنش‌های سازمان‌یافته یا سازمان‌نیافته خواسته یا ناخواسته‌ای را از خود نشان داده‌اند. بیشتر اقلیت‌های جنسی ترجیح می‌دهند گرایش جنسی خود را مخفی کنند، زیرا خانواده، مذهب، و نیروهای امنیتی منابع حمایتی ضعیفی هستند که درواقع، اصلاً وجود ندارند. پنهان‌کاری اولین سازوکار راهبردی سازگاری است که اقلیت‌های جنسی برای مقابله با فشار درپیش می‌گیرند. نتایج مصاحبه با برخی همجنسگرایان و دوجنسگراها نشان داد که همه با پنهان‌کاری موافق بودند و به‌شکل جمعی از این راهبرد استفاده می‌کردند.

ازدواج دروغین یکی از عجیب‌ترین و بزرگ‌ترین راه‌های فرار است. دگرباشان مجبورند راه‌های «مبتکرانه‌ای» برای بودن با کسی که دوستش دارند، پیدا کنند. واقعیتی تلخ این است که میلیون‌ها مردگی و زن لزبین در جهان «ازدواج دروغین» را به‌عنوان راهی برای آرام کردن اعضای خانواده و اجتماع بزرگ‌تر خود برمی‌گزینند. ازدواج دروغین بهترین روش برای آن است که همه راضی باشند و هر ظنی درباره همجنسگرایی را کنار می‌زنند. بزرگ‌ترین انگیزه پشت ازدواج‌های دروغین آرام کردن والدین است. اما این موضوع خود مشکلاتی را به‌همراه دارد؛ اولاً بسیاری با فشار خانواده به ازدواج با فردی از جنس مخالف تن می‌دهند، اما معمولاً رابطه پنهانی خود با فردی همجنس را ادامه می‌دهند. ثانیاً آنها با ازدواج موافقت می‌کنند تا بتوانند در یک موقعیت برنده – برنده فشار بسیار خانواده را از بین ببرند و همچنان به رابطه پنهانی با فرد موردعلاقه خود ادامه دهند.

نوع دیگری از ازدواج وقتی است که فرد با یک دگرجنسگرا ازدواج می‌کند نه با یک همجنسگرا، و همان هدف را در پی می‌گیرد و قصدش رهایی از فشار خانواده و اجتماع است. در چنین شرایطی، این رامحل راهحلی سریع برای کسی است که با گرایش جنسی خود کنار آمده است یا در تقلا افشای هویت جنسی خود است. این ازدواج موقتاً مشکل را

حل می‌کند، درحالی‌که فرد از حمایت مالی، عاطفی، و روانی شریک دگرجنسگرای خود نیز برخوردار می‌شود. این موضوع در مصاحبه با شرکت‌کنندگانی مشخص شد که باوجود تأهل، همچنان رابطه خود با شریک همجنسگرایشان را حفظ کرده بودند.

راهمحل بعدی که از طریق کار میدانی مشخص شد، علاقه شرکت‌کنندگان به ترک کشور و مهاجرت به امید زندگی آزادتر در جامعه‌ای با سرکوبی کمتر بود تا در آنجا بتوانند به‌عنوان دگرباش به حقوق اولیه و پایه انسانی خود بدون ترس از تعقیب قضایی دسترسی پیدا کنند. بیشتر آنها فرایند مهاجرت و درخواست پناهندگی را شروع کرده بودند. برخی سعی کرده بودند در سنین پایین‌تر مهاجرت کنند و آماده شدن برای این فرایند چنان تلاشی بوده است که انگار همیشه بخشی از زندگی عادی آنها بوده است.

نوع دیگری از واکنش راهبردی اقلیت‌های جنسی در مقابل فشارهای اجتماعی شرکت در فعالیت‌های اجتماعی است. این واکنش از جانب کسانی درپیش گرفته می‌شود که عمیقاً به گرایش جنسی خود باور دارند و از خانواده‌های بازتر و حمایت‌گراتر برمی‌آیند و هرچند ممکن است خانواده‌هایشان در پذیرش کامل نباشند، معمولاً سخت‌گیر و خشن نیز نیستند. این افراد دیگر هویت خود را مخفی نمی‌کنند. این گروه عمدتاً شامل دانشجویان جوانی می‌شود که جنبشی مستقل را شروع کرده‌اند تا از این طریق، ماهیت واقعی زندگی اقلیت‌های جنسی را به عموم مردم نشان دهند. در گروه‌های تلگرامی این جنبش را «عادی‌سازی» می‌نامند که شامل مجموعه‌ای از فعالیت‌ها مانند گفت‌وگو با هم‌کلاسی‌ها، همسایه‌ها و اقوام در جهت تغییر دیدگاه آنها، هرچند به‌میزان کم، می‌شود.

واکنش راهبردی دیگر، که آن نیز در دسته فعالیت‌های اجتماعی جای می‌گیرد، تشکیل اجتماعات موازی برای مقابله با همجنسگراستیزی و فشارهای اجتماع ایرانی است. اعضای این اجتماعات که از قضاوت‌های منفی و طردشدگی به‌تنگ آمده‌اند، با یکدیگر همدلی بیشتری دارند، چراکه همه آنها دغدغه‌های خاص مشترکی در زندگی دارند. دگرباشان فعال در این خرده‌فرهنگ می‌توانند در اجتماعات کوچک نامرئی، جایی که کسی برای گروهی از دوستان در نقش مادر یا خاله ظاهر می‌شود، زندگی کنند. در این محافل، افراد حس تعلق اجتماعی، آگاهی بیشتر از حقوق قانونی و شهروندی، و اعتمادبه‌نفس بیشتری را برای حفظ سلامت و رفاه خود تجربه می‌کنند. اغلب این اجتماعات موازی در ایران به‌شکل زیرزمینی کار می‌کنند و فضاهای امن آنها بسیار شکننده هستند.

نهایتاً اقدام راهبردی دیگر مربوط به کسانی است که برخلاف پناهجویانی که کشور را ترک می‌کنند، امکان یا فرصت مالی ترک زادگاه خود را دارند. افراد دگرباش معمولاً به‌دلیل تحصیلی یا شغلی زادگاه خود را ترک می‌کنند. گاهی آنها حس آزادی بیشتری را در شهر بزرگی همچون تهران احساس می‌کنند. برخی تصمیم می‌گیرند به‌دلیل ترس از افشا شدن هویت جنسی‌شان نزد خانواده، در شهر دیگری سکونت کنند و برای تأمین هزینه‌های سرسام‌آور زندگی مستقل بدون هیچ کمک بیرونی، گاهی آنها باهم در یک جا زندگی می‌کنند تا هزینه‌های زندگی را مدیریت کنند و احتمالاً از حمایت عاطفی یکدیگر نیز برخوردار شوند.

نتیجه‌گیری

آگاهی‌رسانی و مبارزه با نفرت هدف اصلی کنشگران اجتماعی سازمان‌های مردم‌نهاد است. اطلاع‌رسانی علمی درخصوص دگربازی در جامعه و داشتن حضوری فعال‌تر در شبکه‌های اجتماعی درک عمومی بهتری از دگرباشان به‌دست می‌دهد و به‌شدت در حل بسیاری از مسائل آنها نقش دارد. همچنین انبوهی از مسائل که پیشتر به آنها اشاره شد، باید در نظر گرفته شود. به همین ترتیب، چالش‌های همراه با زندگی، مسائل مشکل‌ساز تعریف‌ها و طبقه‌بندی‌ها، و زبان به‌کاررفته برای توصیف دگرباشان باید مورد توجه قرار گیرد. در بسیاری از کشورها و علی‌الخصوص افریقا و خاورمیانه، دگرباشان همچنان به‌شکل زیرزمینی جمع می‌شوند و درمقابل عقیده عمومی، هنجارهای فرهنگی و نهادهای مذهبی که همچنان آنها را تحقیر می‌کنند و اجازه دسترسی به حقوقشان را به آنها نمی‌دهند، به رشد و بالندگی ادامه می‌دهند.

آنچه روشن است، مخصوصاً درمورد گروهی که همچنان بر آنان برچسب زده می‌شود، سازوکارهای گسترده اجتماعی است که نقشی مهم در درک تفاوت‌های سطوح مختلف تبعیض در کشورهای جهان بازی می‌کند. این پژوهش به این نتیجه رسیده است که پذیرش اجتماعی مؤلفه‌ای حیاتی است که مطالعات بسیاری سعی در درک نقش آن داشته‌اند. درک این پدیده بلافاصله برای توضیح سطوح مختلف تبعیض تجربه‌شده میان دگرباشان به‌کار می‌آید. مطالعات بیشتر در زمینه پذیرش اجتماعی برای توضیح دامنه و تأثیر این مؤلفه حیاتی و مفید خواهد بود.

کلام آخر اینکه، این مطالعه پژوهشی نیاز مبرم به تلاش‌های نظری و روش‌مند و عملی بیشتری را برای ایجاد تغییر و درک بهتری از این مسئله مهم اجتماعی آشکار می‌کند. همان‌طور که در این پژوهش بر آن تأکید شده است، دگرباشان به‌عنوان جمعی از شهروندان کشور مرتب با انگ و تبعیض در جامعه و فرصت‌های اشتغال کمتر روبه‌رو هستند که به‌شدت بر سلامت جسمی و روانی آنها تأثیر می‌گذارد. فهمیدن اینکه چگونه می‌توان این برچسب‌زنی‌ها و تبعیض‌ها را کاهش داد و افرادی که دیدگاه و سبک زندگی متفاوت‌تری دارند را پذیرش کرد، عنصر مهم بهبود زندگی دگرباشان است. این مطالعه پژوهشی اهمیت پرداختن به پذیرش اجتماعی همجنسگرایی برای شروع و ارزش رویکردی سراسری و نظریه‌محورتر را برای توضیح سطوح مختلف تبعیض تجربه‌شده در همه کشورها نشان می‌دهد. بیش از 31 درصد جمعیت هشتاد میلیونی ایران بین 15 تا 29 سال سن دارند و این نیم‌رخ جمعیتی بسیار جوان فرصتی برای تغییر، پویایی جدید سیاسی و اجتماعی و به‌طور بالقوه داشتن دیدی جدید به جنسیت است. پیش بردن این نگاه نسلی نیازمند جمع‌آوری، به‌اشتراک‌گذاری و فرمول‌بندی یک برنامه آموزشی درباره ادغام دگرباشان چه‌بسا به شیوه‌ای تدریجی در سطوح زندگی است. هرگونه پیشرفت در پرداختن به نیازهای اساسی اجتماع دگرباشان در ایران با کمک این مؤلفه‌ها سرعت می‌گیرد: پر کردن خلأ اطلاعاتی،

کندوکاو در داده‌های موجود و جمع‌آوری داده‌های پایه متقن، حمایت از تحقیقات، اجتناب از تنگ‌نظری و داشتن دیدگاه بازتر درخصوص علوم انسانی و یافته‌ها و تقبل اینکه جامعه جهانی و جامعه ایران به شدت و سرعت در حال تغییر است، آزمودن ایده‌های جدید و مبتکرانه، بازنگری برخی از قوانین مربوطه و برنامه‌ریزی براساس ارزیابی‌های دقیق. هرگاه نتایج چنین تلاش‌هایی به‌شکلی واضح و شفاف به‌اشتراک گذاشته شود، اجتماع روبه‌رشدی که در این حوزه کار می‌کند، می‌تواند موارد موفق را بسط دهد و از تکرار اشتباهات گذشته پرهیز کند.

درباره نویسنده

کامیل احمدی مردم‌شناس اجتماعی و پژوهشگر، برنده جایزه "ناموس" در دانشگاه حقوق لندن از بنیاد حقوق زنان (IKWR) و برنده جایزه "صلح" بنیاد جهانی صلح زنان بخش ادبیات و علوم انسانی در دانشگاه جورج واشنگتن است. پژوهش‌های کامیل احمدی درباره توسعه اجتماعی و بین‌مللی، اقلیتها و مسائل مرتبط با جنسیت می‌باشد. پژوهش‌های قبلی وی به زبانهای انگلیسی، ترکی استانبولی، فارسی و کوردی با این عنوان چاپ شده اند: "نگاهی دیگر به شرق و جنوب شرق ترکیه" (نگاهی مردم‌شناسی به ادب و رسوم مزوپوتامیا) Etkim press, Istanbul, Turkey 2009 "به نام سنت" (پژوهشی جامع در باب ختنه زنان در ایران) که توسط Uncut Voices Press- 2015 Oxford- و نشر شیرازه انتشار یافت. "طنین سکوت" (پژوهشی جامع در باب ازدواج زود هنگام کودکان در ایران) Nova Science Publisher, Inc., New York 2017. و کتاب "خانه ای بر روی آب" (پژوهشی جامع در باره صیغه / ازدواج موقت در ایران) توسط نشر شیرازه منتشر شد و کتاب "خانه ای در سایه" (پژوهشی جامع در باب ازدواج سفید در ایران) نیز توسط همین ناشر آماده رونمایی است. پژوهش دیگر وی به نام "یغمای کودکی" که با انجمن حمایت از حقوق کودکان انجام داده بود به موضوع زیاله گردی کودکان در تهران می‌پردازد در سال 1399 از ان رونمایی گردید. کتاب "شهر ممنوعه" پژوهشی بر باب دگرباشان در ایران که از آنان مقالات نیز به فارسی و انگلیسی استخراج و چاپ شده اخیراً توسط نشر مهری در لندن چاپ گردیده است. پژوهش تازه وی "از مرز تا مرز" پژوهشی جامع در باب هویت و قومیت در ایران می‌باشد که در حال چاپ می‌باشد

- Anthony Appiah and Henry Louis Gates. (2010). *Encyclopaedias of Africa*, Volume 2 OUP, USA.
- Chan, Phil C. W. (2005). the lack of sexual orientation anti-discrimination legislation in Hong Kong: breach of international and domestic legal obligations. *The International Journal of Human Rights*, 9 (1), pp. 69-106. From Available: <http://www.tandfonline.com/doi/abs/10.1080/13642980500032347> [7 November 2012].HonHH.
- Fassinger, Ruth E. (1998). *Lesbian, Gay, and Bisexual Identity and Student Development Theory. Working with lesbian, gay, bisexual, and transgender college students: A handbook for faculty and administrators.*
- Gauch, S. (2002). Egypt cracks down on gays, trumping Islamists. *Christian Science Monitor*.
- History of Treatment / The Medical Treatment of Homosexuality. (1996). (edited by Cabaj & Stein, American Psychiatric Association).
- Huwiler Stronski SM; Remafedi G. (1998). Adolescent homosexuality. *Advances in Pediatrics*, 45, pp. 107–144. Medline
- Johnson, B.; Christensen L. (2012). *Educational Reseach: Quantitative, Qualitative, and Mixed Approaches*. Thousand Oaks, CA: Sage Publications, Inc.
- Katz, Jonathan Ned. (1995). *The Invention of Heterosexuality*. New York, NY: Dutton (Penguin Books).
- Kevin L Ard; Harvey J Makadon. *IMPROVING THE HEALTH CARE OF LESBIAN, GAY, BISEXUAL AND TRANSGENDER (LGBT) PEOPLE: Understanding and Eliminating Health Disparities.*

- Lovaas, Karen; Mercilee M. Jenkins. Charting a Path through the 'Desert of Nothing. *Sexualities and Communication in Everyday Life: A Reader*, 8 July 2006. Sage Publications Inc. 5 May 2008.
- Marc Epprecht. (2004). *Hungochani: The History of a Dissident Sexuality in Southern Africa*. McGill-Queen's Press – MQUP.
- Monro, Surya. (2015). *Bisexuality: Identities, politics, and theories*. Springer.
- Punch, M. (1998). Politics and ethics in qualitative research. In N. K. Denzin & Y. S. Lincoln (Eds.), *The landscape of qualitative research: Theories and issues*, pp. 156-184. Thousand Oaks, CA: Sage Publications.
- Ryan, ruby, Joelle. (2009). REEL GENDER: EXAMINING THE POLITICS OF TRANS IMAGES IN FILM AND MEDIA. p. 8. Spencer A. Rathus. *Childhood: Voyages in Development*. Cengage Learning, 2013.
- Saiz, Ignacio. (2004) *Bracketing Sexuality: Human Rights and Sexual Orientation*.
- Strauss, A. L.; & Corbin, J. M. (1998). *Basics of qualitative research: Techniques and procedures for developing grounded theory* (2nd ed.). Thousand Oaks: Sage Publications.
- Upchurch, Charles. (2009). *Before Wilde: Sex between Men in Britain's Age of Reform*. Berkeley: University of California.
- Valentine, G.; Skelton, T.; Butler, R. (2002). the vulnerability and marginalisation of lesbian and gay youth: ways forward. *Youth and Policy*, 75, pp. 4–29.
- Vexen Crabtree. (2014). *The Battle between Monotheism and Homosexuality: Religious Prejudice Versus Equality: Islam*.
- Whitaker, Brian. (2006). *Unspeakable Love: Gay and Lesbian Life in the Middle East*. Berkeley: University of California.

*<http://www.dailymail.co.uk/news/article-5079049/Marriage-equality-results-Australia-votes-Yes.html#ixzz4zSvWAYwu>.

*The Global Divide on Homosexuality Greater Acceptance in More Secular and Affluent Countries, WWW.pewglobal.org.

*2017 edition, State-Sponsored Homophobia report from ILGA, the International Lesbian, Gay, Bisexual, Trans and Intersex Association.

*Ari Ezra Waldman A Legal Analysis of the Supreme Court's Historic. Towleroad.www.towleroad.com/2015/06/obergefell-v-hodges.

*<https://www.voanews.com/a/australia-weeks-away-from-legalizing-gay-marriage/4122352.html>.

* Institute of Medicine (IOM) (2011), The Health of Lesbian, Gay, Bisexual, and Transgender People: Lesbian, Gay, Bisexual and Transgender Rights in Iran, www.iglhrc.org/.../files/LGBTRightsInIran_0.pdf.

**OHCHR, LGBT Speeches and statements*
www.ohchr.org/.../Pages/LGBTSpeechesandstatements.aspx(United Nations Statement on LGBT discrimination - ohchr.org;
www.ohchr.org/EN/Issues/Discrimination/Pages/LGBT.aspx.

*PEW Research Center. Gay Marriage around the World.
<http://www.pewforum.org/2017/08/08/gay-marriage-around-the-world-2013/> Accessed: October 1st, 2017.

* State Sponsored Homophobia 2016: A world survey of sexual orientation laws: criminalisation, protection and recognition (PDF). International Lesbian, Gay, Bisexual, Trans and Intersex Association. 17 May 2016. Retrieved 19 May 2016.

* Straight but Narrow, The Economist
www.economist.com/node/21546002.

*UN Human Rights Council, Report of the United Nations High Commissioner for Human Rights on Discriminatory laws and practices and acts of violence against individuals based on their sexual orientation and gender identity, 2011, UN Human Rights Council: Geneva.

* Zimbabwe's LGBT community: why civil rights and health issues go hand in hand. <https://www.news24.com/Africa/Zimbabwe/zimbabwes-lgbt-community-why-civil-rights-and-health-issues-go-hand-in-hand-20180131-2>. Accessed: Feb 26th, 2018.